



دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده :

فلسفه و الهیات اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته :

مدرسی معارف اسلامی

عنوان :

نقد و بررسی انسان آرمانی، در جنبش های نوپدید معنویت گرا

استاد راهنما :

حجه الاسلام والمسلمین دکتر احمد حسین شریفی

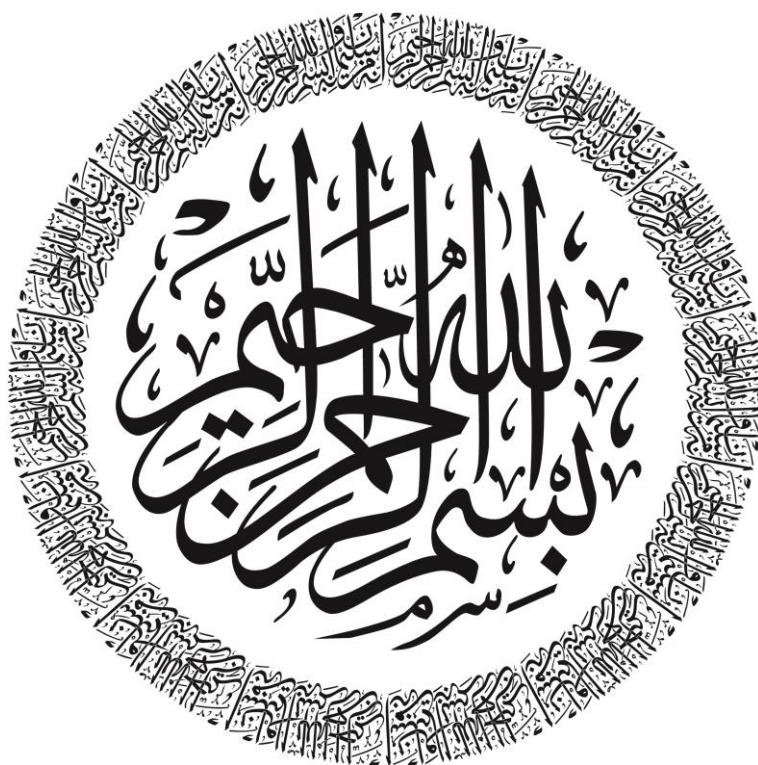
استاد مشاور :

حجه الاسلام والمسلمین دکتر حسین توسلی

نگارش :

حمید مریدیان

مهر 1392





دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده :

فلسفه و الهیات اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته :

مدرسی معارف اسلامی

عنوان :

نقد و بررسی انسان آرمانی، در جنبش های نوپدید معنویت گرا

استاد راهنما :

حجه الاسلام والمسلمین دکتر احمد حسین شریفی

استاد مشاور :

حجه الاسلام والمسلمین دکتر حسین توسلی

نگارش :

حمید مریدیان

مهر 1392

صور تجلسه دفاعیه

تقدیم به ...

امام مهدی موعود قائم آل محمد(ص) او که با ظهورش عطش معنوی پیروان خود را سیراب می کند و آنان که برای رسیدن به کمال دنبال کشف حقیقت هستند، و از هرگونه کژراهه و انحرافی دوری می جویند.

تقدیر و تشکر

بدون تردید موفقیت و پیروزی رهپویان علم و دانش در عرصه‌های مختلف علمی، پژوهشی، بدون بهره‌گیری از علم و تجربه اساتید متخصص، و مشاورین آگاه، و حرکت در چارچوب رهنمودها و روشن‌گری‌های خالصانه ایشان، میسر و مقدور نخواهد بود.

عالمان و دانشمندان فرزانه، همواره در طول تاریخ، موفقیت‌ها و کامیابی‌های خود را در عرصه‌های مختلف علم و عمل، مرهون زحمات طاقت‌فرسا و مجاهدت‌های جبران‌ناپذیر اساتید بزرگوار خود، و همدلی‌های پدران و همراهی‌های مشفقانه آن‌ها دانسته، و با تمسک به این روایت امیرالمؤمنین علی(ع) که فرمود: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا، فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا» همواره در برابر اساتید خود سر تعظیم و کرنش فرود آورده، و از آن‌ها با عظمت و نیکی یاد کرده‌اند.

اینجانب خدای را بر این نعمت شاکرم که توفیق استفاده از محضر اساتیدی بزرگ، و عالمانی وارسته را نصیبم فرمود، و هدایت‌گری‌های بی‌دریغ و روشن‌گری‌های خالصانه آن‌ها را مشعل فروزان راهم قرار داد. در همین راستا از زحمات استاد عزیزم؛ جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر شریفی(زیده عزه) که با راهنمایی‌های عالمانه و مؤثر خود، بنده را در به ثمر رسیدن این تحقیق یاری نمودند، همین‌طور از تلاش‌های بی‌دریغ استاد بزرگوار؛ جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر توسلی(زیده عزه) که با مشاوره‌های ارزنده، سبب آسان‌شدن دشواری‌های خاص این تحقیق گردیدند، صمیمانه تشکر و قدردانی نموده، مزید توفیقاتشان را از درگاه ایزد منان مسألت دارم.

شکر الله مساعیهم

چکیده

امروزه جنبش‌هایی نوپدید در غرب و شرق با عنوان معنوی به صحنه آمده‌اند و سعی در ارائه تصویر آرمانی از انسان دارند، تا بدین وسیله به نیازهای معنوی انسان مدرن پاسخ بدهند. از جمله مهم‌ترین این جنبش‌ها که تاکنون آثار فراوانی از خود به جای گذاشته‌اند، دو جریان اثرگذار و مشهور **اوشو** و **پائولو** است، که انسان ایده‌آل از منظر هر دو در حالی که دارای اشتراکات فراوانی است، از ویژگی‌های متفاوتی نیز برخوردار است. اوشو تصویر خویش از انسان ایده‌آل امروزی را **زوربای بودا** می‌نامد که یکی سمبل زیاده‌خواهی، شهوت و شادمانگی است و دیگری اسوه زهد و ریاضت است. او رهایی از ذهن، سرور و شادمانگی، نفی دعا و عبادت را از ویژگی‌های انسان ایده‌آل می‌داند که از راه مراقبه به دست می‌آید. در مقابل انسان آرمانی کوئیلو که به عنوان قهرمان‌های داستانی در رمان‌هایش جلوه می‌کند، دارای ویژگی‌هایی است مانند: اباحی‌گری و بی‌بند و باری، گوش سپردن به ندای درون که به واسطه پیش‌گویی و جادوگری، اتصال به روح کیهانی و پیروی از افسانه شخصی حاصل می‌شود. با بررسی و بیان نقد هر دو جریان، در یک نگاه کلی خاستگاه مشترک این گونه جنبش‌های نوپدید معنویت‌گرا را می‌توان در معنویت پست‌مدرن ارزیابی کرد که باعث رویش انواع متنوع از این جنبش‌ها بوده است و اصول مشترک هر دو جنبش را در تفکر انسان محوری دانست که تکثرگرایی، آزادی‌خواهی و فردگرایی از مؤلفه‌های اصلی و اساسی آن به حساب می‌آید. در انتها انسان آرمانی از نگاه اسلام بازگو می‌شود که جانشین و امانت‌دار الهی است و با پیروی از فطرت الهی و ایمان و عمل صالح، هر لحظه در حال شکوفا شدن و پیمودن مسیر رشد و کمال است.

واژگان کلیدی:

انسان آرمانی، جنبش‌های معنویت‌گرا، اوشو، پائولو کوئیلو، اومانیسیم، انسان کامل.

فهرست مطالب

چکیده.....

کلیات و مفاهیم

- ☒ طرح تحقیق.....
- ☒-☒ بیان مسأله.....
- ☒-☒ اهمیت و ضرورت مسأله.....
- ☒-☒ سوالات تحقیق.....
- ☒-☒-☒ سؤال اصلی.....
- ☒-☒-☒ سوالات فرعی.....
- ☒-☒ فرضیه‌های تحقیق.....
- ☒-☒ روش تحقیق.....
- ☒-☒ سازماندهی تحقیق.....
- ☒-☒ سابقه تحقیق.....
- ☒☒ مفهوم‌شناسی.....
- ☒☒-☒ تعریف نقد(معیار و روش).....
- ☒☒-☒ تعریف جنبش.....
- ☒☒-☒-☒ چیستی جنبش‌های معنوی نوپدید.....
- ☒☒-☒-☒ انواع جنبش‌های معنوی نوظهور.....
- ☒☒-☒ تعریف معنویت.....
- ☒☒-☒-☒ معنویت امروزی و مدرن.....
- ☒☒-☒-☒ معنویت منهای دین.....
- ☒☒-☒-☒ معنویت دینی و حقیقی.....
- ☒☒-☒ انسان آرمانی.....
- ☒☒-☒-☒ بررسی جایگاه انسان آرمانی در مکاتب مختلف.....
- ☒☒-☒-☒ انسان آرمانی در جنبش‌های نوپدید.....
- ☒☒-☒ زندگی‌نامه (اوشو و کوئیلو).....
- ☒☒-☒ زندگی‌نامه اوشو.....
- ☒☒-☒ زندگی‌نامه کوئیلو.....
- ☒☒-☒ معرفی آثار(اوشو و کوئیلو).....

فصل اول

انسان آرمانی در مکتب معنوی اوشو

❏-❏ موضوع انسان آرمانی از منظر اوشو..... Error! Bookmark not defined.

❏-❏ آرمان انسانی از نظر اوشو..... Error! Bookmark not defined.

❏-❏ نقد و بررسی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ مصداق (شخصیت) انسان آرمانی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ زوربای یونانی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ بودای زاهد Error! Bookmark not defined.

❏-❏ زوربای بودا Error! Bookmark not defined.

❏-❏ نقد و بررسی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ ویژگی‌های اعتقادی انسان آرمانی اوشو Error! Bookmark not defined.

❏-❏ نفی دعا و عبادت Error! Bookmark not defined.

❏-❏ نقد و بررسی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ توجه به ندای درون Error! Bookmark not defined.

❏-❏ نقد و بررسی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ ویژگی‌های فردی و رفتاری انسان آرمانی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ رهایی از ذهن Error! Bookmark not defined.

❏-❏ نقد و بررسی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ سرور و شادمانگی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ نقد و بررسی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ عمل به نافرمان Error! Bookmark not defined.

❏-❏ نقد و بررسی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ راه‌های وصول به انسان آرمانی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ مراقبه Error! Bookmark not defined.

❏-❏ نقد و بررسی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ عشق و بهره‌گیری از نیروی جنسی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ نقد و بررسی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ موانع پیش‌روی انسان آرمانی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ دین و شریعت Error! Bookmark not defined.

❏-❏ نقد و بررسی Error! Bookmark not defined.

❏-❏ ازدواج و تشکیل خانواده Error! Bookmark not defined.

❏-❏ نقد و بررسی Error! Bookmark not defined.

فصل دوم

انسان آرمانی در مکتب معنوی کوئیلو

- ❌❌- انسان آرمانی - داستانی کوئیلو..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌- ویژگی‌ها شخصیت‌های داستانی..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- طرح موضوع‌های رمانتیک و احساسی..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- بهره‌گیری از قالب قصه..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- بهره‌گیری از افسانه‌ها و اساطیر ملل..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌- ویژگی‌های اعتقادی انسان آرمانی از منظر کوئیلو..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- جبرگرایی (مکتوب)..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- نقد و بررسی..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- گوش سپردن به ندای درون..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- نقد و بررسی..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌- ویژگی‌های فردی و رفتاری انسان آرمانی از منظر کوئیلو..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- رقص و می‌خواری..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- نقد و بررسی..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- خودکشی و پوچ‌گرایی..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- نقد و بررسی..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- اباحی‌گری و بی‌بند و باری..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- نقد و بررسی..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌- راه‌های وصول به انسان آرمانی از منظر کوئیلو..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- سحر و جادو..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- نقد و بررسی..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- عشق..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- نقد و بررسی..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- طریقت افسانه شخصی و کیمیاگری..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- نقد و بررسی..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌- موانع انسان آرمانی از منظر کوئیلو..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- ترس..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- نقد و بررسی..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- دین و مذهب..... Error! Bookmark not defined.
- ❌❌❌- نقد و بررسی..... Error! Bookmark not defined.

فصل سوم..... Error! Bookmark not defined.

تبیین و بررسی نقاط اشتراک و افتراق دو مکتب اوشو و کوئیلو

تبیین و بررسی نقاط مشترک در دو مکتب اوشو و کوئیلو. Error! Bookmark not defined.

بررسی خاستگاه مشترک در دو مکتب. Error! Bookmark not defined.

معنویت‌گرایی پست‌مدرن؛ بستر رویش. Error! Bookmark not defined.

بررسی اصول مشترک در دو مکتب. Error! Bookmark not defined.

تفکرانسان‌محوری (اومانیزم). Error! Bookmark not defined.

بررسی تفکر اومانیزستی کوئیلو و اوشو. Error! Bookmark not defined.

مؤلفه‌های انسان‌محوری در معنویت اوشو و کوئیلو. Error! Bookmark not defined.

آزادی‌خواهی در معنویت کوئیلو و اوشو. Error! Bookmark not defined.

الف- رقص و موسیقی. Error! Bookmark not defined.

ب- عشق و سکس در معنویت پائولو و اوشو. Error! Bookmark not defined.

ب- عشق و سکس در گفته‌های اوشو. Error! Bookmark not defined.

ب- عشق و سکس در داستان‌های کوئیلو. Error! Bookmark not defined.

نقد و بررسی. Error! Bookmark not defined.

تجربه‌گرایی در اندیشه اوشو و کوئیلو. Error! Bookmark not defined.

نقد و بررسی. Error! Bookmark not defined.

فردگرایی. Error! Bookmark not defined.

فردگرایی در مذهب اوشو و کوئیلو. Error! Bookmark not defined.

نقد و بررسی. Error! Bookmark not defined.

تبیین و بررسی تفاوت‌ها و تمایزها در دو مکتب (اوشو و کوئیلو). Error! Bookmark not defined.

تمایز در ویژگی‌های انسان آرمانی. Error! Bookmark not defined.

تفاوت در مبانی اندیشه‌ای. Error! Bookmark not defined.

تمایز در قالب ساختار و سبک گفتار. Error! Bookmark not defined.

تفاوت در طرح مباحث معنوی. Error! Bookmark not defined.

فصل چهارم

انسان آرمانی در مکتب اسلام

انسان آرمانی اسلام. Error! Bookmark not defined.

فطرت؛ آرمان انسانی. Error! Bookmark not defined.

کمال‌نهایی انسان. Error! Bookmark not defined.

انسان کامل؛ نگرش‌ها و ویژگی‌ها. Error! Bookmark not defined.

بررسی ویژگی‌های اعتقادی. Error! Bookmark not defined.

ایمان به خداوند یکتا. Error! Bookmark not defined.

- Error! Bookmark not defined. ایمان به عدل و دادگری خداوند
- Error! Bookmark not defined. ایمان به وحی و انبیاء الهی
- Error! Bookmark not defined. ایمان به امامت
- Error! Bookmark not defined. ایمان به معاد و رستاخیز
- Error! Bookmark not defined. ویژگی‌های فردی و رفتاری
- Error! Bookmark not defined. عبادت خدا
- Error! Bookmark not defined. اطاعت و تبعیت
- Error! Bookmark not defined. ترس از خدا
- Error! Bookmark not defined. استفاده از فرصت‌ها
- Error! Bookmark not defined. حسابرسی اعمال
- Error! Bookmark not defined. صبر
- Error! Bookmark not defined. توجه به ارزش‌ها و فضیلت‌ها
- Error! Bookmark not defined. مهرورزی به دیگران
- Error! Bookmark not defined. راه‌های کمال‌جویی
- Error! Bookmark not defined. گام در مسیر هدایت
- Error! Bookmark not defined. کسب ایمان و عمل صالح
- Error! Bookmark not defined. تعقل و آگاهی
- Error! Bookmark not defined. تقوا و مراقبت از نفس
- Error! Bookmark not defined. موانع انسان آرمانی اسلام
- Error! Bookmark not defined. خود فراموشی
- Error! Bookmark not defined. دنیاپرستی
- Error! Bookmark not defined. ناسپاسی و قدرنشناسی
- Error! Bookmark not defined. تکبر و خودبینی
- Error! Bookmark not defined. گناه و زنگار قلب
- Error! Bookmark not defined. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

Error! Bookmark not defined. منابع و مآخذ

- Error! Bookmark not defined. کتاب‌ها
- Error! Bookmark not defined. سایت‌ها
- Error! Bookmark not defined. مقالات و مجلات
- Error! Bookmark not defined. منابع انگلیسی

پایان نامه..... Error! Bookmark not defined.

کلیات و مفاهیم

1- طرح تحقیق

1-1- بیان مسأله

از موضوعات مهمی که از دیرباز مورد کاوش پژوهش‌گران بوده است، بررسی ابعاد مختلف وجودی انسان است. یکی از ابعاد وجودی انسان، بُعد کمال و سعادت اوست که به نوعی همه انسان‌ها در پی راه‌یافتن به درجه‌ای از آن هستند؛ به عبارت دیگر، رسیدن به نقطه مطلوب، همان آرمانی است که انسان‌ها همیشه به دنبال آن بوده‌اند. مطالعه تاریخ نیز نشان می‌دهد که انسان، همواره رؤیای کمال خویش را در سر داشته و در صدد بوده است خود را به بالاترین درجه رشد و کمال انسانی برساند. در طول تاریخ، همواره انسان کامل به عنوان قطب و محور هستی مورد توجه بوده و انسان‌های بزرگ و افراد تکامل یافته مورد احترام بوده‌اند و سایرین از آن‌ها به نیکی یاد کرده‌اند، به طوری که در هر یک از فرهنگ‌ها، نظام‌های فکری و فلسفی، آیین‌ها، مذاهب‌ها، مکتب‌ها و ادیان، ردّپایی از انسان کامل به چشم می‌خورد.

قدر مشترکی که در تمامی دیدگاه‌ها و نگرش‌های متضاد درباره انسان آرمانی وجود دارد، فرق نهادن بین انسان معمولی و انسان کامل است، تا جایی که همواره افراد انسانی باید در صدد رسیدن به آن نقطه ایده‌آل باشند و از همین‌رو عده بسیاری وجود او را نادر می‌دانند و در انتظار او لحظه‌شماری می‌کنند و گاه بر این باورند که انسان کامل در گذشته پا به عرصه هستی نهاده، گاه بر این عقیده‌اند که باید به امید ظهور او به انتظار نشست.

انسان نمونه و ایده‌آل از آن جهت که باید به عنوان یک الگو برای همه انسان‌ها مطرح شود، در همه ادیان و مکاتب بشری مورد توجه قرار گرفته است و اساساً هر مکتبی که داعیه انسان‌سازی دارد، باید انسان را با ویژگی و صفات خاصی به عنوان یک الگو معرفی کند؛ از

این رو هر یک از مکاتب براساس دیدگاه خاص خود، انسان آرمانی مورد نظر خود را ترسیم و توصیف کرده‌اند. در این میان بحث از انسان آرمانی در جنبش‌های نوین معنویت‌گرا جایگاه بسیار والایی دارد. هرکدام از آن‌ها سعی دارند، الگویی جذاب و کامل از انسان مورد نظر خود را ارائه دهند؛ اما به دلیل گستردگی و تنوع این جنبش‌ها و نگرش‌های گوناگون هر یک از آن‌ها در زمینه انسان، امکان پرداختن به همه آن‌ها وجود ندارد. از طرفی بعضی از این جنبش‌ها درباره انسان آرمانی به طور ویژه به بیان آراء و نظریات خود پرداخته‌اند و با شیوه خاصی سعی در ارائه الگویی برای انسان مورد نظر خود بوده‌اند، که در جای خود قابل تأمل است؛ از این رو به دو جریان اثرگذار و مشهور که آثار فراوانی تاکنون از خود به جای گذاشته‌اند و با شیوه‌های مختلف از جمله تدوین کتاب‌ها و تأسیس مراکز و راه اندازی سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی سعی در ترویج اندیشه‌های خود دارند، می‌پردازیم: در این میان مکتب معنوی اشو، به عنوان نماینده‌ای از جنبش‌های معنوی نوپدید شرقی و دیگری مکتب معنوی کوئلیو، به عنوان نمونه‌ای از جنبش‌های معنوی نوپدید غربی انتخاب شده است. دلیل این انتخاب را می‌توان دلایل ذیل برشمرد:

1- اشو و پائولو به عنوان یکی از مدعیان گفتمان معنویت و نجات بشریت از مادی‌گرایی به معنویت‌گرایی، گوی سبقت را از بسیاری دیگر ربوده‌اند. فراوانی کتاب‌ها و نشر آثار این دو نفر در سراسر کشور به حدی است که طبق آمار مرکز ملی جوانان در صدر فروش کتاب‌های معنوی در دو دهه اخیر بوده است. این در حالی است که بسیاری از آثار این دو نفر به زبان فارسی ترجمه و هرکدام با تیراژهای بالا، بارها تجدید چاپ شده است.

2- متأسفانه نقد جدی و بررسی‌های گسترده و جامع کتاب‌های این دو نفر غالباً در میان مباحث دیگر مطرح شده است.

3- استقبال جامعه ایرانی از آثار اشو و پائولو، در کنار چاپ فراوان کتاب‌های آن‌ها و از طرف دیگر احتیاج مبرم به بررسی همه‌جانبه این آثار و عدم کار جدی و مستقل در این زمینه، از دلایل انتخاب این دو مکتب می‌باشد.

در این تحقیق علمی بر آن هستیم که انسان مطلوب و ایده‌آل را در این دو جنبش معنوی مورد بررسی قرار دهیم.

1-2- اهمیت و ضرورت مسأله

در اهمیت و ضرورت بحث از انسان آرمانی، یکی از دیدگاه‌هایی که درباره انسان وجود دارد، این مسأله است که انسان چه باید بشود؟ یعنی انسان ایده‌آل و انسان کامل کیست؟ به بیان دیگر انسان چه هدفی را باید در حیات خود در نظر بگیرد تا حرکت به سوی آن، به کمال وجودی خویش نائل شود و از چه مسیرهایی باید طی طریق کند تا به مقام کمال دسترسی پیدا کند و شایسته عنوان انسان کامل شود.

از آنجاکه جهان بینی‌های متفاوت، منتهی به تدوین مکاتب تربیتی متفاوت می‌گردند و آن‌ها نیز به نوبه خود روش‌های تربیتی خاص خود را می‌طلبند، بنابراین شناخت این مکاتب و محصولی که سعی در دستیابی آن دارند و نیز شناخت کیفیت تربیت و به نتیجه رسیدن این محصول ضروری است. در حقیقت کسب آگاهی و شناخت از سیمای انسان و ماهیت او، در سایر مکاتب باعث می‌شود که انسان معیار از دیدگاه آن‌ها به دست آید و با پی بردن به نقائص و کاستی‌های موجود در او، مدلی مناسب برای زندگی که بر اساس آن بنا نهاده می‌شود، ارائه گردد. این امر موجب می‌شود تا با شناسائی انسان کامل، او را به عنوان یک الگوی تربیتی برای جوامع بشری معرفی نمائیم.

اهمیت این مسأله در جنبش‌های معنوی نوپدید از آن جهت است که انسان، محور بحث در جنبش‌های معنوی نوپدید است به طوری که تمامی بحث‌ها و پرداختن به موضوعات مختلف در جهت عملی کردن ایده‌های این جنبش‌ها درباره انسان و جامعه آرمانی اوست؛ که در تبیین بخشی از شخصیت و ماهیت انسان موفقیت نسبی داشته‌اند، ضمن آن‌که در بخش‌هایی دیگر از آن به بیراهه رفته‌اند. می‌توان گفت که با بررسی موضوع انسان آرمانی در این جنبش‌ها، می‌توان به نظام اندیشه‌ای و نگرش جنبش‌های نوپدید در مورد مسائل مختلف پیرامون انسان، انسان در نظام‌هستی، چگونگی تربیت معنوی انسان از دیدگاه آنها، کشف

استعدادها و توانایی‌های انسان، موانع رشد معنوی انسان و امثال آن پی برد و میزان صحت و سقم آن را با انسان مطلوب مورد نظر اسلام، مورد سنجش و ارزیابی قرار داد.

1-3- سوالات تحقیق

1-3-1- سؤال اصلی

1- جایگاه انسان آرمانی در جنبش‌های نوپدید معنویت‌گرا چیست؟ و چه آسیب‌هایی

دارد؟

1-3-2- سوالات فرعی

2- انسان آرمانی در مکتب معنوی اوشو دارای چه ویژگی‌هایی است؟

3- راه‌های وصول به انسان آرمانی از نگاه کوئیلو چیست؟

4- نقاط اشتراک و افتراق در مورد انسان آرمانی در دو مکتب اوشو و کوئیلو چیست؟

5- انسان آرمانی در معنویت‌های نوظهور چه مقدار با انسان کامل در نگاه اسلام

همخوانی دارند؟

1-4- فرضیه‌های تحقیق

1- انسان آرمانی در جنبش‌های نوپدید همان انسان اومانستی غربی است که منهای

خدا در نظر گرفته شده است.

2- انسان آرمانی در مکتب اوشو، انسان لذت‌طلبی است که غیر از خوشگذرانی و

عیاشی به چیز دیگری فکر نمی‌کند و هدف او دستیابی به لذت ناشی از مسائل غریزی و جنسی است.

3- انسان ایده‌آل از نگاه کوئیلو انسان ماجراجویی است که بر اساس خواسته‌های

نفسانی و احساسات درونی حرکت می‌کند.

4- با بررسی انسان آرمانی جنبش‌های نوپدید در دو مکتب فوق، می‌توان به مبانی

مشترکی دست یافت که همگی در راستای یک هدف قرار دارند و آن هدف دستیابی به لذت

ناشی از مسائل غریزی و جنسی است.

5- انسان آرمانی در دو جنبش معنوی اوشو و کوئیلو با انسان کامل از دیدگاه اسلامی که در همان زمینه مطرح می شود نه تنها همخوانی ندارد که در بسیاری از موارد سر عناد و ناسازگاری دارد، به طوری که در تضاد و در تقابل با یکدیگرند.

1-5- روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان نامه، روش توصیفی، تحلیلی است. توصیف در مورد دیدگاه های دو جریان اثرگذار شرقی و غربی درباره انسان آرمانی که با جمع آوری اندیشه ها و مطالعه نوشته ها و کتاب های موجود از آن ها صورت گرفته است. تحلیل اندیشه های مربوط به انسان آرمانی در دو جنبش فوق و نقد آن با تکیه بر مبانی اسلامی و نیز بررسی آنها، نوع روش تحقیق در این نوشتار را تشکیل می دهد.

1-6- سازماندهی تحقیق

این رساله در چهار فصل با بیان کلیات و مفاهیم تنظیم شده است:

بخش اول: ضمن بیان کلیات و مفاهیم، به زندگی نامه اجمالی دو مکتب اوشو و کوئیلو اشاره ای می شود. در بخش مفهوم شناسی به تعریف معنویت، معنویت دینی و مدرن، معنویت منهای دین و به جایگاه انسان آرمانی و انسان آرمانی در جنبش های نوپدید پرداخته می شود.

فصل اول: به انسان آرمانی در مکتب معنوی اوشو اختصاص یافته که بعد از بیان شخصیت انسان آرمانی از منظر اوشو، ویژگی های اعتقادی، فردی و رفتاری، موانع پیش روی انسان آرمانی و راه های وصول به انسان آرمانی مورد بررسی قرار می گیرد که در ضمن تبیین به نقد اجمالی هر یک از آن ها اشاره ای می شود.

فصل دوم: همانند فصل دوم ساختار واحدی دارد، با این تفاوت که به انسان آرمانی در مکتب معنوی کوئیلو می پردازد.

فصل سوم: با تبیین و بررسی نقاط اشتراک و افتراق دو مکتب (اوشو و کوئیلو)، در

بخش اول نقاط مشترک بین دو مکتب مورد بررسی قرار داده می شود که به خاستگاه و اصول مشترک در دو مکتب پرداخته می شود و در ضمن آن، نقد و بررسی صورت می گیرد. در بخش بعدی به نقاط تمایز در دو مکتب اشاره می شود که تمایز در ویژگی ها، مبانی اندیشه، قالب ساختار و سبک گفتار و تفاوت در طرح مباحث معنوی از آن جمله است.

فصل چهارم: به موضوع انسان آرمانی در مکتب اسلام اختصاص یافته است که با معرفی و تبیین ویژگی ها، موانع، راه های وصول به انسان آرمانی در نگاه اسلام، به رویکرد تقابلی بین مکتب اسلام با دو مکتب اوشو و کوئیلو اشاره ای می شود. در انتها با جمع بندی نهایی رساله به پایان می رسد.

1-7- سابقه تحقیق

در سیر تاریخ، آدمی همیشه به دنبال انسان کامل بوده است و در همین جست و جو بوده که گاه موجودات ماوراءالطبیعی و رب النوع ها و گاه قهرمانان افسانه ای و اساطیری و زمانی هم شخصیت های برجسته تاریخ را به عنوان انسان کامل برای خود مطرح کرده است. توجه به انسان کامل از آن جهت که الگو و معیاری برای سایر افراد انسانی می باشد، سابقه ای بس دیرینه دارد. این مسأله تا بدان جاست که در هریک از سیستم های فکری و فلسفی، آئین ها، مذاهب و مکتب ها و ادیان که بنگریم، ردپایی از انسان کامل را می یابیم. این مکاتب فکری در طول تاریخ از دیدگاه خود، یعنی جهان بینی حاکم بر اندیشه شان، انسانی را به عنوان نمونه و برتر معرفی کرده اند.

این موضوع در سیر تاریخی خود، با عبور از مکاتب و اندیشه های سنتی و مدرن، نام های گوناگونی به خود گرفته به طوری که تمام مکاتب از انسان آرمانی به نام های مختلفی از آن یاد کرده اند: بودا او را ارهات می نامد و کنفسیوس کیون تسو، آئین های یوا و بهاکتی نیز از او با عنوان انسان آزاده نام می برند. افلاطون او را فیلسوف می نامد و ارسطو انسان بزرگوار. صوفیه قطب، شیخ و پیرو طریقهش می نامد و نیچه ابر انسان و از همه بالاتر قرآن وی را خلیفه

الله می خواند.^۱

آراء و نظریات مختلف و نگاشته شده درباره انسان آرمانی در آثار به جا مانده از این اندیشه ها بازتاب داده شده است که هر کدام از زاویه دید خود به آن نگریسته اند؛ مکتب عقلیون، مکتب عرفان و تصوف، مکتب قدرت از جمله آنانند.^۲ همچنین بحث از انسان کامل از دیدگاه های قرآن، روانشناسی، جامعه شناسی، ادیان الهی و غیر الهی صورت گرفته که با تحقیق و بررسی، می توان بخشی از آنها را احصاء نمود. از جمله مواردی که در این موضوع وجود دارد، می توان به کتابها و نوشته های زیر اشاره کرد: الإنسان الكامل عزیزالدین نسفی، ابن عربی^۳ و مطهری^۴، الإنسان الكامل فی معرفه الأواخر و الأوائل (الجیلانی، عبدالکریم) و الإنسان الكامل فی الإسلام^۵ سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب^۶، صورت و سیر انسان در قرآن، تفسیر انسان به انسان، حیات حقیقی انسان در قرآن (جوادی آملی، عبدالله^۷)، سیمای انسان کامل در قرآن^۸، انسان آرمانی در نگاه قرآن^۹ انسان کامل در اسلام و مسیحیت^{۱۰}، انسان کامل در عرف عرفان و ... افزون بر اینها کتب و مقالات زیاد دیگری درباره انسان کامل نوشته شده است که از منظر اشخاص و بزرگان دینی مورد بررسی قرار گرفته است که بعضی از آنها عبارتند از: انسان کامل در اندیشه امام خمینی (ره)، انسان آرمانی در نگاه نیچه و اقبال لاهوری^{۱۱}، انسان کامل در نگاه مولوی و عطار نیشابوری، انسان کامل لئوشائوچی و ...

همچنین درباره مسأله این تحقیق، یعنی بررسی انسان آرمانی از نگاه معنویت های نوپدید، علیرغم جست و جویهای انجام گرفته، هیچ اثر مستقلی در این باره مشاهده نشد، گرچه در آثاری که در نقد و بررسی این جنبشها به عمل آمده، می توان در لابه لای آنها مطالب و

1 - عبدالله نصری، سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ص 5.

2 - مرتضی مطهری، انسان کامل، تهران، صدرا، 1362، ص 12.

3 - عزیزالدین نسفی، کتاب الانسان الكامل، تهران، طهوری، 1362.

4 - مطهری مرتضی، انسان کامل، تهران، صدرا، 1362.

5 - الجیلانی، عبدالکریم، عبدالرحمن بدوی، کویت 1976م.

6 - نصری عبدالله؛ سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، 1376

7 - قم، اسراء، 1384.

8 - جعفر سبحانی، سیمای انسان کامل در قرآن، تفسیر سوره فرقان، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

9 - ترابی، محمود، انسان آرمانی در نگاه قرآن، فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره 15 و 16.

10 - یارندی طوبی، انسان کامل در اسلام و مسیحیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده الهیات، فلسفه و معارف اسلامی 1382.

11 - محمدزاده، محمدجعفر، محسن سلگی، انسان آرمانی در نگاه نیچه و اقبال لاهوری، تهران: انتشارات اطلاعات.

اشاراتی را مشاهده کرد که به مناسبتی از موضوع انسان و انسان آرمانی سخن به میان آمده است؛ اما از آنجایی که این تحقیق به دو جنبش کوئیلو و اوشو اختصاص داده شده، می توان به مواردی اشاره کرد که در آن به نحوی از انسان ایده آل از منظر این دو بحثی صورت گرفته که در این تحقیق سعی شده که از آن ها استفاده شود. این آثار که به صورت کتاب و مقاله منتشر یافته اند عبارتند از:

1- نگرشی بر آراء و اندیشه های اشو و پائولو کوئیلو اثر حجة الإسلام والمسلمین محمد تقی فعالی که هرکدام به صورت جداگانه انتشار یافته اند. ایشان در این دو کتاب به صورت گسترده آراء این دو مکتب را بررسی و نقد کرده است. در این دو کتاب به برخی از ویژگی های انسان و انسان آرمانی، اعم از ویژگی های فردی، رفتاری، اعتقادی در ضمن بیان آراء و دیدگاه پرداخته شده است.¹

2- درآمدی بر عرفان های حقیقی و عرفان های کاذب، که اثر حجة الإسلام والمسلمین احمد حسین شریفی نگاهی کلی به عرفان های نوظهور است. مؤلف محترم در بخشی از آن از انسان آرمانی اوشو سخن به میان آورده و به توصیف و ویژگی های او به صورت مختصر پرداخته است. این کتاب به بیان شاخصه های عرفان حقیقی و بررسی و نقد شاخصه های عرفان های کاذب می پردازد.²

3- از واقعیت تا خلسه: مؤلف در این کتاب با بیان شالوده فکری اوشو، به بررسی الهیات اوشو که قسمتی از آن به انسان مربوط می شود، می پردازد و با بیان دیدگاه های اوشو، بخشی را اختصاص به جایگاه انسان از منظر اوشو پرداخته، انسان را از دیدگاه وی به خوبی تبیین کرده است.³

4- جریان شناسی انتقادی عرفان های نوظهور:⁴ این کتاب با رویکرد انتقادی، به بیان خاستگاه ها و اصول مشترک در معنویت های نوظهور می پردازد که دو مکتب کوئیلو و اوشو از

1 - فعالی محمد تقی، آفتاب و سایه ها: نگرشی بر جریان های نوظهور معنویت گرا، تهران: 1389. فعالی محمد تقی، نگرشی بر آراء و اندیشه های اوشو، کوئیلو، تهران: نشر عابد، 1388.

2 - شریفی احمد حسین، درآمدی بر عرفان های حقیقی و عرفان های کاذب، قم: صهبای یقین، 1387.

3 - وکیلی هادی، آزاده مدنی، از واقعیت تا خلسه، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان: 1388، ص 179.

4 - مظاهری سیف حمیدرضا، جریان شناسی انتقادی عرفان های نوظهور، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1387.

جمله آنانند. مؤلف با اختصاص دادن بخشی برای معرفی این دو مکتب، به خوبی اهداف آرمانی و اختصاصات هر دو را درباره انسان بیان می کند و به نقد هر کدام از آنها می پردازد.

5- نگاهی به آثار و اندیشه های پائولو کوئیلو که به صورت کلی اندیشه های کوئیلو را بررسی می کند. در این کتاب به قهرمان های داستانی کوئیلو، که انسان های آرمانی وی به شمار می رود، توجه ویژه شده است!

6- مقاله نقد و بررسی مبانی خداشناختی و انسان شناختی پائولو کوئیلو: این فصل بخشی از پایان نامه ارشد با موضوع بررسی و نقد اصول نظری اندیشه معنوی پائولو کوئیلو از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است که نگارنده به خوبی در باب انسان شناسی به جایگاه انسان در آفرینش، وظیفه او در دنیا و شناخت ذات او از منظر پائولو کوئیلو پرداخته است.

7- پایان نامه تحلیل و بررسی اندیشه های معنوی اشو؛ در این مجموعه فصول قابل توجهی آمده که کمک بسیار خوبی به فهم اعتقادات و تفکرات اشو می کند. در کنار این مطالب به پاره ای از مطالب درباره انسان از قبیل دیدگاه و ویژگی ها و ... اشاره ای شده است.

8- پایان نامه زندگی نامه، آثار و تحلیل اندیشه های پائولو³ که مؤلف در فصل دوم (آثار پائولو کوئیلو) به تبیین و بازگویی شخصیت های داستانی به عنوان انسان های الگو کوئیلو پرداخته است.

2- مفهوم شناسی

2-1- تعریف نقد (معیار و روش)

نقد⁴ یعنی؛ ارزیابی، بررسی، شناسایی نمودن، زیر و رو کردن، عیب ها را نمایاندن است، «نَقَدَ الدَّارِهُمَ وَ غَيْرَهَا»: مَيِّزَهَا وَ نَظَرَهَا لِيَعْرِفَ جَيِّدَهَا مِنْ رَدِيئِهَا: «وقتی می گویند درهم را نقد

1 - باقریان موحد، سیدرضا، نگاهی به آثار و اندیشه های پائولو کوئیلو، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما تهران: دفتر عقل چاپ: زلال کوثر، چاپ: دوم، 1386.

2 - حسینیان، حامد، نقد و بررسی مبانی خداشناختی و انسان شناختی پائولو کوئیلو، سال اول، شماره اول، پاییز 1390، ص 133 - 164.

3 - موسویان، محمد، زندگی نامه، آثار و تحلیل اندیشه های پائولو، بهار 1389 کارشناسی ارشد دانشگاه معارف قم.

4 Critique.

کرد؛ یعنی آنها را از هم جدا کرد و بررسی نمود تا سالم را از معیوب بازشناسد^۱. از این رو در مفهوم نقد؛ طلب و بی طرفی، بررسی و دست گرفتن و از هم جدا کردن و پنهان‌ها را بیرون کشیدن، نهفته است^۲.

از طرفی باید توجه داشت که نقد به معنی رد و مخالفت نیست بلکه نقد به معنای ارزیابی و واریسی اندیشه است، از این رو جای دارد که ناقد، نقاط قوت اندیشه را نیز بیان کند^۳. بنابراین می توان گفت نقد امر مستدلی است که نکات مثبت و منفی را توأمان در بر دارد و به انگیزه انتخاب بهترین، صورت می گیرد که بر اساس معیار و ضابطه مشخصی انجام می شود. آنچه در نقد نیازمندیم داشتن اطلاعات و پیشینه کافی از موضوعی است که مورد تحلیل واقع می شود و همچنین داشتن مهارت کافی در فرآیندهای استدلالی است که تمام جنبه های موضوع مورد تحلیل را مورد ارزیابی و بررسی قرار می دهد.

روش نقد در این نوشتار به دو صورت محتوایی و ساختاری می باشد که در نقد محتوایی تحلیل انتقادی از موضوع و مباحث مطرح شده صورت می گیرد و در نقد ساختاری از جهت شیوه استدلال و با توجه به مدعای مورد نظر هر دو جریان، نقد و بررسی انجام می شود. همچنین معیار نقد در هر دو روش با توجه به آموزه های اسلامی و معارف دینی است. این معیار با توجه به این که دیدگاه صحیح، انسان کامل از منظر اسلام معرفی می شود، انتخاب شده است بنابراین در موارد عدم تطابق با معیار انسان مطلوب اسلامی، به نقد عالمانه پرداخته می شود. البته سعی شده است که مراحل نقد در گنجایش این نوشته انجام گیرد و با درک مطلب، مقایسه و تحلیل، ارزشیابی صحیح انجام گیرد که این مراحل ما را به نقد خردمندانه رهنمون می کند.

^۱ علی، صفایی، روش نقد، جلد اول، انتشارات لیلۃ القدر، چاپ اول، قم، ۱۳۸۱، ص ۶.

^۲ همان، ص ۷

^۳ روش تحلیل انتقادی مطالعات پژوهشی (نقد علمی)، فصل ۱۳، ص ۱۶۶ قابل دسترسی در:

2-2- تعریف جنبش

جنبش در لغت به معنی حرکت، جنبیدن و مانند آن است¹ و در اصطلاح حرکت یا رفتار گروهی نسبتاً منظم و بادوام، برای رسیدن به هدف اجتماعی - سیاسی معین و بر اساس نقشه معین است که می تواند انقلابی یا اصلاحی باشد².

هنگامی که جمعی از مردم برای تغییر در عناصر اجتماعی یا حفظ برخی از عناصر اجتماعی سازمان‌دهی شوند، جنبش اجتماعی شکل می گیرد. بنابراین جنبش اجتماعی از آشوب اجتماعی پیشرفته‌تر و تکامل یافته‌تر است و می‌توان ویژگی‌هایی مشترک برای آن برشمرد: 1- مشخص بودن هدف؛ 2- داشتن برنامه‌هایی برای رسیدن به این اهداف؛ 3 - ایدئولوژی (مسلك)³.

با چنین ویژگی که درباره جنبش وجود دارد می‌تواند یک جنبش مکتبی مستقل خوانده شود و یا برگرفته از مکتبی خاص باشد زیرا مکتب عبارت است از هر گونه نظام منسجم از باورداشته‌ها در یک حوزه معین مانند جهان بینی و یا نظام منسجم رفتاری در یک حوزه معین مانند اقتصاد را مکتب می‌گویند. به عنوان مثال مکتب اسلام مجموعه منسجم و هماهنگی از جهان بینی توحیدی همراه با نظام ارزشی و رفتاری متناسب با آن است.

استاد شهید مطهری مکتب را چنین تعریف می‌نمایند:

مکتب و ایدئولوژی ضرورت خود را می‌نمایاند؛ یعنی نیاز به یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روشها، باید‌ها و نبایدها، خوبها و بدها، هدفها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمانها، مسئولیتها و تکلیفها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیفها و مسئولیتها برای همه افراد بوده باشد⁴. و در جایی دیگر تعریف آن را چنین بیان می

¹ علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، موسسه لغت نامه، 1377، ج 16، ص 114.

² علی آقا بخشی و مینو افشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، 1379، ج 1، ص 369.

³ محمود سوری، رسالت شعر دینی در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، نشر: قم: دفتر عقل، 1388.

⁴ مرتضی، مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا، چاپ 31، تهران، ج 2، ص 53.

کنند: ایدئولوژی یعنی دستگاه فکر، مجموع جهان بینی، یعنی هست‌ها، [و نیز چگونه باید‌ها]. نگرش من به هستی که چگونه هست و نگرش من درباره خودم و جامعه که چگونه باشد همه را یکجا می‌گویم ایدئولوژی^۱.

بنابراین از آنجایی که یک جنبش برخاسته از ایدئولوژی خاصی است و در مقام ظهور این مکتب است که به صورت جنبش سربرمی آورد، می‌توان دو جنبش اوشو و کوئیلو را مکتب نامید؛ زیرا هر دو جریان، مدعی برنامه معنوی برای سعادت انسان‌ها هستند و برای بشر سرگردان امروز در دو حوزه باور و رفتار نظام و ایدئولوژی منسجمی را ادعا می‌کنند، که برگرفته از جهان‌بینی و نگاه آن‌ها به جهان هستی و از جمله آن‌ها انسان است.

2-2-1- چستی جنبش‌های معنوی نوپدید^۲

این اصطلاح برای نخستین بار توسط هارولد ترنر^۳ به کار برده شد. اصطلاحی که در حوزه جامعه‌شناسی و در محافل آکادمیک برای جلوگیری از ارزش‌گذاری منفی قبل از بررسی دقیق جنبش‌های مذکور استفاده می‌شد^۴.

برای این واژه تعاریف گوناگونی ارائه شده است. جان سالیبا در کتاب فهم جنبش‌های نوپدید دینی سه گروه از تعاریف را بیان می‌کند که هر کدام متعلق به یک دانش متفاوت است. از دیدگاه سالیبا گروهی از تعاریف روانشناختی هستند، دسته‌ای جامعه‌شناختی و بخش دیگر تعاریف الهیاتی و برای هر کدام از این مجموعه تعاریف نمونه‌هایی ذکر می‌کند^۵.

ایلین بارکر^۶ جنبش‌های نوپدید دینی را گروه‌هایی می‌داند که پس از جنگ جهانی

^۱ همان، ج 15، ص 504.

^۲ New Religious Movements.

^۳ Harold w.turner

^۴ در حقیقت جامعه‌شناسان به دلیل جنبه تحقیرآمیزی که گمان می‌شد از کلمه فرقه وجود دارد، به جای آن از لفظ جنبش‌های نوپدید دینی استفاده کردند. (ر.ک: برایان ویلسون و جیمی کرسول، جنبش‌های نوظهور دینی، ترجمه محمد قلی پور، مشهد: مرنديز، 1387، صص 11-13)

^۵ Understanding NewReligious Movements.p45 به نقل از مجله نشریه معارف نهاد مقام معظم رهبری، حمید رضا مظاهری سیف، مقاله چستی جنبش‌های معنوی نوپدید، اسفند ماه سال 1390، شماره 90

^۶ Eileen Barker

دوم، در شکل کنونی ظهور کرده اند و به برخی سوالات غائی همچون وجود خدا، هدف زندگی و سرنوشت انسان پس از مرگ می پردازد. البته این تعریف ادیان و فلسفه های الحادی را در نیز در بر می گیرد و به طور کلی این لفظ شامل جریان های غیر رسمی سر بر آورده از ادیان نهادینه و هم شامل گرایش های التقاطی و گرایش های کانلا جدید می شود. همچنین در تعریف جنبش های نوپدید دینی گفته اند: اصطلاحی است که اشاره دارد به ایمان دینی یا جنبش های اخلاقی، معنوی یا فلسفی در دوره های اخیر که جزء فرقه ها، کلیساها و گروه های سنتی نیستند!

اما هیچ کدام از این تعاریف بومی، مناسب با فضای فرهنگی کشور ما نیست. پس با صرف نظر از ارائه دادن تعریفی دقیق برای روشن شدن موضوع و مناسب با اهداف این تحقیق می توانیم بگوییم که جنبش های نوپدید معنوی عبارت اند از: «حرکت های اجتماعی - فرهنگی که به امور ماورائی می پردازد به طوری که آموزه های روشن دینی را با ابهام و تردید می آمیزد و یا به صراحت در برابر آنها قرار می گیرد.» منظور از امور ماورائی طیف گسترده ای از باورها، گرایش ها و آیین ها را دربرمی گیرد. با این تعریف سازمان های جدیدی که به ترویج ادیان کهن در کشور ما می پردازند نیز جنبش نوپدید دینی به شمار می آیند و لزومی ندارد که حتماً غیر از اسلام باشند، یعنی اشخاص یا سازمان ها و یا گروه هایی که قرائتی از اسلام را ارائه می دهند که نسبت به اصول روشن دین، تردیدبرانگیز و یا متعارض است، جنبش نوپدید معنوی یا دینی به شمار می آیند.

در نامگذاری آنها نیز نام معنوی را که اعم از دینی است بر می گزینیم به این علت که با تسالم بر تعریف تایلر از دین، هر دین باید اعتقاداتی را به پیروانش پیشنهاد کند، در حالی که جریان های معنوی صرفاً به ماورای ماده توجه نشان می دهند. از این رو هر جنبش دینی ناگزیر معنوی است ولی هر جنبش معنوی لزوماً دینی نیست. بنابراین آنها را جنبش های نوپدید معنوی می نامیم.

اما نوپدید بودن آنها در ابعاد جهانی از عصر روشنگری به بعد مد نظر است ولی ورود

¹ بهزاد حمیدیه، معنویت گرایی های نوین از سه منظر، مجله کتاب نقد، شماره 45، زمستان 86، ص 17.

آنها به کشور ما عمدتاً از دهه 1360 به بعد یعنی از دهه 1980 میلادی آغاز شد و در دهه‌های 1370 و 1380 شاهد افزایش فعالیت این جنبش‌ها و پیدایش نمونه‌های داخلی آنها بوده‌ایم، غیر از موارد انگشت‌شماری مثل بهائیت که بنابر تعریف در شمار جنبش‌های معنوی نوپدید هستند و از دیدگاه سایر محققان مطالعات ادیان نیز جنبشی نوپدید محسوب می‌شوند، ولی پیدایش آنها به پیش از انقلاب مربوط می‌شود.¹

البته برخی بین سه اصطلاح جنبش‌های نوپدید دینی، اصطلاح عصر جدید و اصطلاح ادیان جدید² تفاوت قائل شده‌اند. در تمایز میان جنبش‌های نوپدید دینی و دین عصر جدید که هر دو را می‌توان زیر مجموعه ادیان جدید دانست، گفته‌اند که جنبش‌ها یا کیش‌های جدید دینی است که به گونه‌ای در یکی از ادیان سامی و یا ادیان شرقی می‌توان آن‌ها را جای داد و دومی جنبش‌های غیر نهادینه‌ای هستند که نمی‌توان آن‌ها را برآمده از ادیان سنتی تفسیر کرد و در اصل مجموعه‌ای از عقاید و باورهای رازورزانه و باطنی هستند که با تاکید بر خود انسان، فردگرایی او و همچنین فروکاست خدا در وجود او، معنویتی التقاطی را ارائه می‌دهند. در این صورت فرد برای خود مذکور از هر دین و اندیشه، آنچه برایش جالب بوده است انتخاب کرده و به کار می‌بندد.³

2-2-2- انواع جنبش‌های معنوی نوظهور

جنبش‌های معنوی نوظهور شامل طیف وسیعی از جنبش‌ها هستند و در میان آنها بسیاری از انواع جنبش‌های اجتماعی دیده می‌شود برخی از آنها آرمان‌گرا هستند. معمولاً جنبش‌های کمون‌گرا نظیر جنبش آشو در این دسته جای می‌گیرند. برخی دیگر واپس‌گرا هستند مثل جنبش‌هایی که بازگشت به سنت‌های کهن را به همراه نفی دستاوردها و تجربیات تازه بشری مورد تأکید قرار می‌دهند. برخی دیگر محافظه‌کارند

¹ مظاهری سیف، حمید رضا، نقش جنبش‌های نوظهور در جنگ نرم، قم: عصر آگاهی 1390، ص 27.

² New Religions.

³ باقرطالبی دارابی، دین عصر جدید، اخبار ادیان، شماره 8، تیر 1383، ص 29.

نظیر برخی از گرایش‌های جنبش عصر جدید که می‌کوشند مادیات و موفقیت را به عنوان آرمان‌های بشری معرفی کنند و نظام زندگی کنونی و تمدن لیبرال دموکراسی را بهترین مدل زندگی می‌دانند.

با توجه به شرایط اجتماعی ایران در تاریخ معاصر جهان و ارائه الگوی جمهوری اسلامی مبتنی بر علم و دین و عقلانیت و معنویت، بسیاری از جنبش‌های معنوی جدیدی که با خواستگاه برون مرزی ظهور و بروز پیدا کرده‌اند عموماً واپسگرا محسوب می‌شوند. اگر چه در خواستگاه خودشان اصلاح طلب، نمایشی، ترقی‌خواه و یا محافظه‌کار تلقی شوند. حتی جنبش‌هایی که در کشور ما خواستگاه داخلی دارند و در ظاهر از سوی ایرانیان پایه‌گذاری شده‌اند، اما از الگوها و مبانی پیش از جمهوری اسلامی استفاده کرده‌اند، (نظیر انجمن حجتیه) و یا اساساً از مبانی فرهنگی و فکری غیر اسلامی برخوردارند (مثل عرفان حلقه یا جنبش رام‌الله) در قیاس با شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی ایران امروز واپسگرا و ارتجاعی ارزیابی می‌شوند.

جنبش‌های معنوی نوین معمولاً تلفیقی میان تفکرات هزاران سال پیش شرقی و تفکر صدها سال پیش غربی است و الگوهای این تلفیق از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم طراحی شده است. با توجه به اینکه در این تلفیق‌ها، مبانی تمدن غرب به عنوان چارچوب اصلی اتخاذ شده و قرائت‌های نوظهور از معنویت شرقی در این چارچوب بازتولید شده است، معمولاً معنویت‌های نوظهور مبتنی بر مبانی مدرنیته و پست مدرنیته نظیر سکولاریسم، اومانیزم، لیبرالیسم و سایتیسم هستند و با شاخص‌های حیات دنیوی غرب تطبیق پیدا می‌کنند!

¹ حمید رضا، مظاهری سیف، چیستی جنبش‌های معنوی نوپدید، مجله معارف نهاد معظم رهبری، شماره 90، اسفند ماه سال 1390.

2-3- تعریف معنویت

معنویت¹ از واژه‌های نوظهوری است که در دهه‌های اخیر رواج زیادی پیدا کرده و در فرهنگ‌های مختلف دارای معانی گسترده‌ای است. اهمیت این مسأله به حدی است که برخی از نویسندگان عصر جدید را **عصر معنویت**² نامیده‌اند.

معنویت در لغت مصدری جعلی، و از واژه «معنوی» ساخته شده است. معنوی نیز با افزودن یای نسبت به آن، از واژه معنی که خود مصدر میمی بوده و مفاد آن مقصود و مراد است، مشتق گردیده است. بنابراین، معنوی یعنی منسوب به معنی و در مقابل لفظی است. این کلمه در معانی دیگری از جمله: «حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی و روحانی» نیز به کار می‌رود³.

صحاح در معنای معنوی می‌گوید: امور غیر مادی که با قوای روحانی و فکر و اندیشه سر و کار دارند را معنوی می‌گویند.⁴

معنویت به معنای کاوش درونی غالباً در مقابل مادی، فیزیکی، بیرونی قرار داده شده است. بعضی معنویت را موضوع گسترش یافته‌تر از دین می‌دانند که کمتر نهادینه شده است. در برابر این نگرش گروهی دیگر معنویت را به عنوان قلب دین می‌دانند که به ویژه در تجربه‌های دینی و عرفانی حاصل می‌شود⁵. بنابراین می‌شود گفت که معنویت مفهومی است که با مذهب و دین ارتباط دارد، برخلاف تصور کسانی که فکر می‌کنند معنویت رقیب یا جانشینی برای مذهب است و آن را رهایی از سنت که مستلزم رهایی از همه لوازم آن چون دینداری، تقلید و حکومت دینی، می‌دانند⁶؟

1 - spirituality.

² میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی، قم: بوستان کتاب، چاپ دهم، ص 84. عبدالحسین خسروپناه، جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها، تهران: تعلیم و تربیت اسلامی، 1389، ص 221.

³ - علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، موسسه لغت نامه، 1377.

⁴ - اسماعیل بن حماد الجوهری، صحاح اللغة، قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع): ج 2 ص 171.

⁵ - جان آز هینلز، فرهنگ ادیان جهان، ترجمه گروه مترجمان، ویرایش دوم، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، 1386 ص 597.

⁶ - محمد، فنایی شکوری، بحران معرفت. نقد عقلانیت و معنویت تجدد گرا، چاپ اول، مرکز انتشارات موسسه امام خمینی، 1384، زلال کوثر، ص 134.

2-3-1- معنویت امروزی و مدرن

امروزه معنویت را به گونه‌های متفاوت مطرح می‌کنند. بشر امروز چون نان شب، به ضرورت قوت معنویت خویش پی برده است. امروزه معنویت دامنه رو به رشدی پیدا کرده است که نظام‌های عقیدتی و آموزه‌های گوناگونی را پوشش می‌دهد. در دنیای مدرن امروزی مفهوم معنویت در همه سنت‌های دینی و غیر دینی گوناگون به کار می‌رود. این در حالی است که معنویت زمانی جنبه‌ای از دین بود، اما هم اینک به دین به عنوان یکی از راه‌های معنوی ممکن نگریسته می‌شود. زمانی معنویت راهی به سوی پیوند عمیق با خدا بود؛ اما اکنون برای بسیاری، خداوند دیگر تنها هدف جست‌وجوی معنوی آنان نیست، بلکه یکی از راه‌های جست‌وجوی معنوی و راهی برای پیوند با بسیاری از مفاهیم متعالی دیگر است!

به این ترتیب می‌توان گفت که این مفهوم علاوه بر درون و بیرون دین‌های خاص، در بسیاری از بافت‌های دینی و غیر دینی سکولار نیز به کار می‌رود. بنابراین، معنویت به یک واژه رمزی کلی تبدیل شده است تا جست‌وجوی انسان را برای جهت و معنا و تعالی نشان دهد. در جامعه سکولار معاصر، همه به دنبال یافت دوباره معنویت به منزله یک بعد گمشده یا دست‌کم پنهان در یک جهان عمدتاً مادی هستند. این فرایند از راه بررسی آثار سنتی بی‌شمار درباره معنویت، که امروزه در سراسر سنت‌های دینی مختلف به طور گسترده وجود دارد، آسان‌تر شده، ارتقاء می‌یابد. به دلیل همین کثرت و تنوع، امروزه معنویت‌گرایی و معناگرایی معانی مختلفی را با توجه به فلسفه‌های مکتب‌ها و رویکردهای گوناگون، به خود گرفته است. معنویتی که تنها به امور مافوق حسی یا متافیزیکی که معنای روانشناختی و فراروانشناختی دارند اطلاق شده و از آن. ال. پی، مدیتیشن، تجسم خلاق، فنگ شویی، تا مقوله‌های روان‌درمانی مانند رنگ‌درمانی، نوردرمانی، موسیقی‌درمانی، مغناطیس‌درمانی، ازدواج‌درمانی، هنردرمانی و ... را در برمی‌گیرد؛ معنویتی که فراتر از موضوع‌های فراروانشناختی، مراقبه‌های ذهنی، ورزش‌های مبتنی بر اصول و روش‌های ذن بودیسم، معنویت کریشنا مورتی، اشو، یوگا

و ... و معنویت‌های نوظهور و مدرنیستی مثل: عرفان‌های سرخ‌پوستی (عرفان شمن‌ها، تولتک، ساحری کاستاندا) اکنکار و پائولو کوئیلویی را نیز شامل می‌شود، تا معنویتی که نحوه مواجهه با جهان هستی است که در آن، شخص روی هم رفته با رضایت باطنی زندگی می‌کند.^۱

می‌توان گفت که رویکرد دنیای مدرن به معنویت، روی آوردن به خدا و محور ساختن او در اندیشه و رفتار نبوده، بلکه سامان‌بخشی معنویتی بر محور انسان می‌باشد. در اندیشه مدرن، انسان معنوی انسانی است که هیچ اتوریتیه بالایی را نمی‌پذیرد و خود فرمانروایی می‌کند، در حالی که در دین، دیگر فرمانفرمایی وجود دارد.^۲

از این‌رو معنویت غیر ایدئولوژیک، معنویت تجربه‌گرا است و گفتمان این معنویت، رهایی از رنج است که غیر دینی است و تعبد در آن به حداقل رسیده و انسان همه‌کاره خویش است؛ به عبارت دیگر، وقتی فردی پدیده‌ای ماوراءالطبیعی را احساس می‌کند، مهم‌ترین ویژگی این کار او را می‌توان تجربه درونی شخصی دانست، به ویژه هنگامی که این فرد بخواهد این تجربه را با تلاش‌های فعالانه برای هماهنگ ساختن زندگی‌اش با ماوراءالطبیعه، هویدا سازد.^۳

اگرچه تعریف معنویت از مفهوم دین عاریه گرفته شده است، بعضی معنویت را ملازم با دینداری و ایمان به یکی از ادیان نمی‌دانند. معنویت‌گراهای جدید حتی لازمه معنویت را اعتقاد به خدا نمی‌دانند چه رسد به دین. از این‌رو شیطان‌پرستی و جن‌گیری هم در زمره آیین‌های معنوی شمرده می‌شوند.^۴ بر همین اساس برخی از نویسندگان داخلی نیز چنین ادعا کرده‌اند:

«زندگی معنوی لزوماً به معنای تعلق به یکی از ادیان نهادینه و

تاریخی نیست بلکه به معنای داشتن نگرشی به عالم و آدم است که به

انسان آرامش، شادی و امید بدهد».^۵

در این تعریف میان معنویت و دیانت تلازمی نیست. نیاز بشر جدید به این نوع از

1 - مصطفی ملکیان، مشتاقی و مهجوری، تهران: نگاه معاصر، ص 276.

2 - همان، سنت و سکولاریسم، ص 325 - 359.

3 - دونالد مک کارمیک، معنویت و مدیریت، ترجمه علی رستگار. مجله هفت آسمان، سال ششم، ش 22 (تابستان).

4 - علی اصغر الهامی نیا و دیگران، معنویت اسلامی (چیستی، چرایی، چگونگی) چاپ اول، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، 1390 ص 21.

5 - مصطفی ملکیان، راهی به رهایی (جستارهایی در عقلانیت و معنویت)، نشر نگاه معاصر، اول 81، ص 379، ص 376.

معنویت ناشی از مشکلات روحی، رنج‌ها، و اضطراب‌های روانی شدید است و علم و عقل جدید نیز نمی‌تواند این مشکلات را برطرف نماید. از این‌رو در جست‌وجوی چیزی است که برای او شادی، نشاط، آرامش و امید به زندگی را پدید بیاورد. چنین معنویتی نه مستلزم باور به خداست و نه مستلزم تن دادن به پیام‌آوران است و نه محتاج وجود دنیایی دیگر و رای این دنیای مادی.

معنویت عصر امروز معنویت منهای خدا، منهای عبودیت، و عرفان منهای خدا را ترویج می‌دهد؛ در حالی که معنویت و عرفان منهای خدا یک تناقض و مغالطه فریبنده است که ره‌آورد جنبش‌های معنویت‌گرای نوپدید و عرفان‌های نوظهور یا مدرنیستی و سکولاریستی است؛ در حالی که گفتمان معنویت بر اساس اصالت فطرت، اصالت روح، اصالت غیب و اصالت عدالت فردی و اجتماعی، عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری استوار شده و مبنادار و معنامند است. البته دستیابی به تساوی حقوقی زنان و مردان و آگاهی از حقوق محیط زیست و بالاخره احترام به شئون طبیعی انسان‌ها در اقلیم اجتماعی و سیاسی که برآمده از رشد شعور انسانی در دستیابی به حقوق طبیعی در فردای رنسانس و عصر روشنگری بوده است، می‌تواند از زیرساخت‌های معنویت مدرنی به شمار روند که برپایان معنویت‌گرایی سنتی اشاره دارند.¹

2-3-2- معنویت منهای دین

انسان عصر جدید آن‌قدر به مادیات و ظواهر زندگی اهتمام ورزیده که اکنون به از خودبیگانگی و گم‌گشتگی رسیده است. این وضعیت حیرت‌زا، جهل‌خیز و صد البته بسیار رنج‌آور و اسفناک روشن‌فکران سکولار را به این نتیجه رسانده که مشکل دنیای امروز فقدان معنویت است و با تجلیل از رهاوردهای تمدن مدرن نظیر عقلانیت و آزادی²، جای معنویت را خالی می‌بیند و نیز دین‌ورزی‌های غیر عقلانی را ناکام ارزیابی کرده، بر جمع میان معنویت و عقلانیت تأکید می‌کنند.³

در روزگار ما عده‌ای می‌کوشند تا برای جبران کاستی‌های تمدن غرب نوعی معنویت

1 - داریوش شایگان، بحران معنویت سنتی، علی اصغر حقدار، تهران: انتشارات کویر، ص 13.
2 - ملکیان، راهی به راهی (جستارهایی در عقلانیت و معنویت)، نشر نگاه معاصر، اول 81، ص 379.
3 - معنویت و جهانی شدن، روزنامه آفتاب یزد 79/9/14.

ابداع کنند که با شالوده و مبانی تمدن غرب سازگار باشد و نظام سلطه‌گری آن را تغییر ندهد. و از همین منظر است که با تأکید درست بر نقش آسیب‌زایی داخلی، نقشه‌های خارجی علیه اسلام و مسلمانان را نادیده می‌گیرند. مشکل انسان امروز، رنج فزاینده‌ای است که در اثر ناتوانی‌های درونی در جهت خوب زیستن به دوش می‌کشد. کسی که از درون نمی‌تواند زندگی رضایت‌مندانده‌ای را تجربه کند و از فشار تنش‌ها رها نباشد، بدون شک در ارتباط با دیگران نیز مشکل پیدا می‌کند و به این ترتیب، حیات شخصی و اجتماعی‌اش از تنش و رنج و ناکامی لبریز می‌شود. تمنای دستیابی به زندگی آرام و بی‌دلهره و شادمانی بدون اندوه و رنج، درون انسان را پرغوغا کرده و نمی‌گذارد پیام خداوند و دعوت او به گوش جان برسد و راهی را به غبار می‌کشد که سرانجام آرامش و امید و سرور را هم در بالاترین سطح به ارمغان می‌آورد! در این جاست که معنویت به عنوان وسیله‌ای برای کسب آرامش و رضایت انسان اهمیت پیدا می‌کند، بدون این‌که برآمده از متن دین باشد. از این‌رو بعضی معنویت را به نحوه مواجهه‌ای با جهان هستی تعریف کرده‌اند که در آن شخص روی هم رفته با رضایت باطن زندگی می‌کند و دستخوش اضطراب و دلهره و نومیدی نیست.^۲

وقتی معنویت به نوعی تلقی از جهان را که احساس رضایت باطنی ایجاد می‌کند، فروکاسته شود؛ آن‌گاه دیگر اهمیتی ندارد که این تلقی از کجا می‌آید و بر چه شالوده و مبنایی استوار است؟ یا این‌که چقدر با واقعیت سازگار است و چه محتوایی دارد؟ «یک انسان می‌تواند معنوی باشد، ولی دیندار نباشد.»^۳ در واقع نسبت میان دین‌داری و معنویت لابلشروط است. «امکان دارد انسانی متدین باشد، اما معنوی نباشد و یا معنوی باشد، اما متدین نباشد.»^۴ در نظر این‌ها دین به اعتقاد و آیین وابسته است در حالی که معنویت به درون شخص تعلق می‌گیرد و هر کس با دریافت خود به آن می‌رسد، لذا از تعصب و تحجر و تعبد و تقلید وارسته و به فهم و درک شخصی تکیه دارد، به این علت افراد معنوی تحمل عقاید متفاوت را

1 - حمید رضا، مظاهری سیف، نقد عرفان پست‌مدرن، فصلنامه کتاب نقد، شماره 35، تابستان 1384.

2 - معنویت و جهانی شدن، همان.

3 - معنویت و جهانی شدن، همان.

4 - همان.

دارند و برخلاف افراد متدین براساس تعبد و تعصب به تکفیر و ردّ دیگران رو نیاورده و احتمال می دهند که آنها نیز براساس عقل و یافته درونی خویش سهمی از حقیقت داشته باشند.

در احساس معنوی که در معنویت های جدید طرح می شود، تعبد و دین گرایی کم رنگ می شود و نوعی خودمحور معنوی پدید می آید و این موضوعی کاملاً شناخته شده و طبیعی در دنیای ادیان جدید و جنبش های معنوی نوظهور است، که با عنوان دین شخصی تعریف شده است.¹

دین شخصی یعنی نوعی دین داری و تجربه زندگی معنوی که شخص بدون توجه به هیچ معیار خارجی و صرفاً با دنبال کردن گرایش، احساسات و تجارب درونی خود آن را می یابد. در این وادی دیگر معیارهای دینی اعتبار ندارند و عالمان دین مزاحم تلقی می شوند و خود شخص باید تحفه معنوی خویش را بیابد. از نظر این عده «فرق فارق معنویت با دین نهادینه شده تاریخی این است که در معنویت تقلید به حداقل ممکن کاهش می یابد و معنویت در آن عقلانی است.»²

2-3-3- معنویت دینی و حقیقی

مقصد و آرمان معنوی نهایی کمال معنوی، در سراسر سنت های دینی، به طرز چشمگیری با هم فرق دارد. انسان ها ممکن است جویای اتحاد با خدا یا ایزد باشند؛ آنان ممکن است برای رسیدن به یگانگی نهایی بکوشند؛ ممکن است در آرزوی رسیدن به حالت روشن شدگی نیروانه، یافت رهایی یا رستگاری یا رسیدن به بهشت باشند. چنین آرمان هایی مستقیماً بر آموزه های نظری و ساختار فلسفی هر دین مبتنی است.

اما در اسلام، معنویت یعنی ارزش های متعالی، اخلاق و والایی که از متن دین گرفته شده است. اساس معنویت باور به مبداء و معاد است. معنویت دینی منهای ایمان به خدا و معاد معنی ندارد. ایمان، پرهیزکاری، باورمندی، فضیلت گرایی و پایبندی به احکام و مناسک دینی،

1 - Encyclopedia of New Religious Movements.

2 - مصطفی ملکیان، دین، معنویت و عقلانیت، مجله آبان، شماره 144، بهمن 81، ص 12.

روح و کالبد معنویت‌اند و تفکیک آن‌ها از هم ممکن نیست. یعنی نمی‌توان پرهیزکار یا باورمند بود، اما دعوی معناگرایی نداشت!

در اسلام معنویت‌گرایی عالم باطن موطن حیات معنوی است^۱ و از نظر قرآن، معنویت پایه تکامل است؛ البته معنویتی که دارای مفهوم و رویکرد ایجابی و سلبی توأمان است؛ یعنی تعلق انسان به خدا و جهان غیب و رهایی او از اعتبار آیات فناپذیر؛ یعنی آزادگی و آزادی انسان در ابعاد فردی و اجتماعی که در ایمان دینی و مذهبی متبلور شده و انسان را تدریجاً به سوی کمال مطلق و جهان ابدیت پیش برده و رنگ و رایحه الهی و رحمانی به او می‌بخشد، معنویتی که در پرتو شریعت جامع و کامل الهی شکل گرفته و هویت انسان را می‌سازد و عقل و اراده انسان در ایمان و عشق او به خدا و جهان ماوراء نقش برجسته و بنیادین دارد؛ معنویتی که استعدادهای عقلانی، اخلاقی، دینی و عشق او به خدا و دینی و هنری، ذوقی، خلاقیت، ابتکار و ... را در انسان رشد داده و به فعلیت رسانده؛ معنویتی که در آن عناصری همچون: عقلانیت، عدالت، ابدیت، جامعیت و کمال، حضور داشته باشد؛ معنویتی که زندگی‌ساز باشد نه زندگی سوز و به حیات انسان، معنای فراگیر در همه ابعاد، ساحت‌ها و نیازهای انسانی می‌بخشد. این معنویت در فرهنگ اسلامی فراتر از متن زندگی و حس و حال مادی است؛ ارتباط با خداوند است؛ راه یافتن به باطن و حقیقت عالم است، که با تفکر، ایمان، طهارت و زندگی در چهارچوب الهی حاصل می‌شود^۲؛ چنین معنویتی، تنها تعریف تئوریک و نظری نمی‌پذیرد، بلکه تعریف کاربردی و کارکردی نیز خواهد داشت که فقط در دین حقیقی اسلام دست‌یافتنی است.^۳ با این نگاه کارکردگرایی، معنویت دو نیاز مهم و فطری انسان را پاسخ می‌گوید: نیاز به زندگی معنوی؛ نیاز به زندگی معنادار، زندگی معنوی غیر از زندگی معنادار است؛ اگر چه هر یک بسته و پیوسته به دیگری است. نوع خاصی از معنویت‌های عرفی نیز وجود دارد که قادر به معنابخشی موقت و گاه کاذب به زندگی انسان‌هاست، بدون این‌که

1 - مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ص 17.
2 - محمد حسین طباطبایی، معنویت تشیع، تنظیم: بدیعی محمد، تهران: نشر سپهر، 1387، ص 63.
3 - محمد، فنایی شکوری، بحران معرفت. نقد عقلانیت و معنویت تجدد گرا، همان، ص 139.
4 محمد جواد رودگر، تحدید دین در جریان های معنوی نوپدید، کتاب نقد شماره 46 ص 113.

زندگی آنان را معنوی و روحانی کند. اهداف جهانی و آرمان‌های بزرگ انسانی و عشق‌های زمینی، می‌توانند به زندگی برخی از انسان هدف و معنایی خاص ببخشند؛ اما زندگی معنوی در اسلام موقوف به پاره‌ای اعتقادات قلبی ایمان به غیب و جهان پسین است^۱. از این رو می‌توان معنویت در اسلام را همان تعهد به حقیقت دانست که در آن انسان مؤمن با پایبندی نظری و عمل به حقیقت، آن را می‌یابد.

2-4- انسان آرمانی

2-4-1- بررسی جایگاه انسان آرمانی در مکاتب مختلف

در کلیه ادیان بزرگ و مکتب‌های فلسفی و فکری جهان، در شرق و غرب به الگوهایی از انسان آرمانی برمی‌خوریم که تا کنون مورد ستایش و قبله امید ملل و نحل واقع شده‌اند. خدایان اسطوره‌ای یا انسان‌واره‌های مقدس، قهرمانان روئین‌تن و جهان‌پهلوانان داستان‌های اساطیری و حماسه‌های ملی کشورهای باستانی چون یونان و ایران و هند که آدم کدمون (قدمون)^۲ در دین یهود و انسان قدیم در آئین مانی^۳ و انسان اول در کیش مزدک، مسیح در عیسویت و انسان کامل «پیامبر گرامی اسلام (ص)» در اسلام و شخصیت‌هایی با عناوین قطب، ولی در تصوف اسلامی و مرد برتر در مکتب فلسفی نیچه و ... از آن جمله‌اند^۴.

اعتقاد به ظهور مصلح و منجی موعود که با آمدنش عصر روشن حکومت توحید و دوران طلائی تکامل عقول فرا می‌رسد و بیدادگری و تباهی و فساد و نامردی ریشه کن و عدل و آرامش و صفا جهانگیر می‌شود؛ ظهور چهره‌هایی نظیر: سوشیانت در آئین زردتشت^۵ و الیاس در یهود و مسیح در عیسویت و مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دین اسلام، دلیل متقن بر توجهی است که جوامع انسانی به انسان آرمانی دارند و این توجه خود مایه امید و انگیزه پایداری آنان در برابر ناملازمات وضع موجود و عامل تکاپو در نیل به

1 - رضا بابایی، آسیب‌شناسی معنویت، مجله حصون شماره 16، ص 119، تابستان 1378.

2 - olam adam kadmon.

3 - هانس یواخیم کلیم کانت؛ هنر مانوی، ترجمه ی ابوالقاسم اسماعیل پور، اسطوره 1384، ص 57.

4 - رک: سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، عبدالله نصری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، 1370.

5 - علی اصغر مصطفوی، چاپ اول 1362، سوشیانت یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان ص 5 - 54.

آینده‌ای مطلوب و دستیابی به نظام حکومتی عدالت‌گستر و اجتماعی ایده‌آل می‌باشد. انسان در گذرگاه تاریخ تاکنون متناسب با بالندگی فکری و رشد اجتماعی و فرهنگی خویش تصورات و اندیشه‌هایی گوناگون نسبت به خود و جهان داشته و کیفیت این شناخت در ارتباط با دوره‌بندی‌های تاریخی و پیشرفت معنوی او متفاوت و گاه متضاد بوده است.

در جوامع اولیه ملت‌های باستانی که چشم‌انداز تاریخ اجتماعی و فرهنگی گذشته آنان با اساطیر آغاز می‌شود، انسان آرمانی یا خداگونه؛ مظهری از قدرت‌های فوق طبیعی است که با گذشت زمان در سیمای قهرمانان، حماسه‌های ملی، نظیر پهلوانان موجود در آثاری چون، ایلیاد هومر، شاهنامه فردوسی^۱ متجلی می‌شود و با عملیات خارق‌العاده و فوق انسانی؛ آرزوهای عملی نشده قبیله، قوم یا ملت خویش را در فضای داستان‌های حماسی تحقق می‌بخشد. این انسان به تدریج در مسیر تاریخ تحولات فکری و عقیدتی جوامع با تصاویری متفاوت جلوه‌گر می‌شود^۲ و این بدان جهت است که آدمیان از لحاظ جهان‌بینی، پایبندی اجتماعی و اخلاقی، محیط جغرافیایی، نژاد و دیگر خصوصیات اجتماعی و تربیتی فرقه‌هایی دارند، در نتیجه کمال مطلوب و زندگی ایده‌آل، همچنین انسان آرمانی با کسی که آرزوهایشان را در وجود او محقق می‌انگارند، متفاوت و گاه متباین و متضاد می‌باشد، به عنوان مثال مرد برتر موجود در مکتب فلسفی نیچه که پایه تفکرات او بر نفی ادیان و تخطئه فضائل اخلاقی نهاده شده است، حائز صفات و روحیاتی است که آن‌ها را در کمتر مذهب و مکتبی می‌توان پیدا کرد؛ زیرا به عقیده نیچه بشر باید به مرتبه مرد برتر برسد و مرد برتر آن است که از نیک و بد برتر باشد، عزم و اراده داشته باشد، قید و بند تکلیف و لوم نفس و وجدان را بگسلاند ... تمایلات و هواهای خود را برآورده سازد، خود را خواجه و خداوند خواند و هرمانعی را که برای خواجه‌گی او پیش آید از میان بردارد.^۳ او باید خود را بخواهد و بر دیگران برتری دهد، حفظ حسن روابط با دیگران را منظور نکند و همواره خویشتن را توانا و نیرومند سازد، اما این‌که غرض از

1 - قهرمانانی چون زئوس در داستان‌های هومر ورستم و سهراب و اسفندیار در شاهنامه.

2 - حسین رزمجو، انسان آرمانی - انسان کامل کیست؟ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد شماره اول و دوم. ص 121 - 140.

3 - فرویدریک ویلهلم نیچه، چنین گفت زرتشت، ترجمه حمید نیر نوری، چاپ سوم، تهران: 1359 صفحه 14 و 15.

نیرومندی چیست درست معلوم نیست، ظاهر کلام نیچه آن است که توانایی برای آن است که به دیگران تجاوز کرد و برتری نمود و معنی زندگانی همین است، بنابراین انسان آرمانی نیچه، موجودی است قدرتمند، خودکامه، بی عاطفه، سنگدل و شهوتران و ضعیف‌کش.^۱

2-4-2- انسان آرمانی در جنبش‌های نوپدید

انسان آرمانی در جنبش‌های معنوی، خالق تمام ارزش‌های واقعی این جهانی و حاکم بر شؤون هستی و سایر موجودات معرفی می‌شود؛ فرمانروای برتری که به عنوان محور هستی، تحقق خواست‌ها، علایق و شکوفایی کامل ویژگی‌های او بر همه چیز مقدم می‌باشد. در حقیقت جنبش‌های نوپدید دینی به واسطه پیروی از مؤلفه‌های مدرنیته بالاخص اومانیزم^۲ انسان را در مسند خدایی قرار می‌دهند؛ به امید این‌که مشکلات انسان خداگونه به پایان رسد. حال آن‌که این سرآغاز گرفتاری انسان فاقد معنویت و یا بهتر بگوییم انسان فاقد خداست. پال توئیچل^۳ می‌گوید:

«انسان‌ها به خدا رخصت می‌دهند که هستی داشته باشد، وگرنه خدا نه شکلی داشت و نه صورتی و نه صاحب هیچ‌گونه ارکانی که بتواند نیات خود را به بشر سرایت دهد؛ مگر این‌که بشر خود این وسایط را در اختیارش بگذارد. به عبارت دیگر، خدا تنها در صورتی می‌توانست متجلی شود که آدمی از قوای پندار و تخیل خود به عنوان مجرای برای تجلی آن استفاده کند؛ فقط از طریق این رکن بود که خدا می‌توانست بدین طبقه^۴ خاکی راه یابد.»

واضح است زمانی که در یک گرایش معنوی چنین ادعا می‌شود که انسان به خدا رخصت می‌دهد که هستی داشته باشد. دیگر مسأله اطاعت از او منتفی می‌گردد و انسان آزادانه می‌تواند بر زمین قدم بردارد و هر کاری انجام دهد.

1 - موسسه مکتباتی اسلام شناسی، سیمای انسان کامل تر از دیدگاه مکتب، قم موسسه مکتباتی اسلام شناسی، 1361، ص 51.

2 - Humanism.

3 - Paul Twitchell.

4 - پال توئیچل، سرزمین‌های دور، ترجمه هوشنگ اهر پور، بی تا، 1379: ص 20.

انسان آرمانی در جنبش‌های معنویت‌گرا به عنوان انسان آزادی معرفی می‌شود که از هر قید و بندی رهاست. این اعتقاد از آن جایی نشأت می‌گیرد که انسان آزاد به دنیا آمده است و باید از هر قید و بندی جز آنچه خود برای خود تعیین می‌کند آزاد باشد. به اعتقاد آن‌ها بشر باید آزادی خود را در طبیعت و جامعه تجربه کند و خود بر سرنوشت خویش حاکم شود و این انسان است که حقوق خویش را تعیین می‌کند نه آن تکلیفی که از مافوق برای او تعیین شود. در این دیدگاه انسان حق دارد نه تکلیف!

طبیعی است که اغلب فرقه‌های معنویت‌گرای غیردینی جدید که در مهد تمدن غرب شکل گرفته و رشد و نما یافته‌اند، تمدنی بر پایه فکری «اومانیزم» بنا نهاده‌اند و ماهیتی انسان‌محور را شکل داده‌اند؛ از این رو فرقه‌های معنویت‌گرای پدید آمده در بستر این تمدن، اومانستی و انسان‌محورند. دنیای غرب اگرچه برای گریز از بحران‌های ناشی از مدرنیسم به گذشته‌نگاهی گزینشی کرد و از آن بین معنویت را برگزید و به آن روی آورد و از شعار چندصدساله خویش که بشر را منحصر به جسد مادی می‌دانست، دست کشید؛ ولی هرگز بر اصولی همچون اومانیزم که دنیای مدرن خویش را بر آن بنیان نهاده بود، پشت نکرد. البته معنای این سخن آن نیست که این فرقه‌ها را بی‌خدا بدانیم، بلکه سخن از محوریت انسان به جای خدا است که در برخی فرقه‌ها این محوریت تا آنجا بالا گرفته است که خدا در وجود انسان تعقیب می‌شود و او به خدایی می‌رسد.

باگوان شری راجنیش^۱ - اوشو - مؤسس یکی از گرایش‌های نوپدید می‌گوید:

«ندای درونتان را ارج بنهید و از آن اطاعت کنید. به خاطر داشته

باشید من تضمین نمی‌کنم که آن ندا همیشه شما را به راه راست هدایت

کند. بیشتر اوقات شما را به گمراهی می‌برد... این حق شماس است که آزادانه

به گمراهی بروید. این بخشی از کرامت شماس است، حتی در مقابل خداوند

بایستید و درستی و نادرستی امور را به کنار بگذارید»^۲.

محور بودن انسان در معنویت‌گرایی‌های نوپدید، مقتضی خارج شدن خدا از غایت و هدف حرکت‌های باطنی است. در آموزه‌های بسیاری از فرقه‌های معنویت‌گرای غیردینی، حتی سخنی از خدا و حرکت به سوی او نیست؛ زیرا هدف از حرکت، رسیدن به توانایی‌های کشف نشده انسان، آرام گرفتن، درمان دردها و رهایی از رنج‌های بیرونی و درونی و جایگزین کردن شادمانی^۱ با آن است که این اهداف هم به ادعای آن‌ها بدون اعتقاد به خدا و پیامبران و فقط با مأوا گزیدن در درون خود، قابل تحصیل است. از این‌رو بحث از انسان آرمانی در جنبش‌های معنویت‌گرا دارای اهمیت فراوانی است که امروزه این جنبش‌ها با تعابیر مختلف سعی در ارائه شخصیت و نمونه‌ای از آن هستند، تا الگویی را برای مخاطبین خود فراهم آورند؛ اما به دلیل گستردگی و تنوع این جنبش‌ها و نگرش‌های گوناگون هر یک از آن‌ها در زمینه انسان، امکان پرداختن به همه آن‌ها در این رساله وجود ندارد؛ از این‌رو به دو جریان اثرگذار و مشهور که آثار فراوانی تا کنون از خود به جای گذاشته‌اند و با گستردگی روزافزون اندیشه‌های خود را ترویج داده‌اند، می‌پردازیم که کوئیلو به نمایندگی از جنبش‌های غربی و اوشو منتخب جنبش‌های نوپدید شرقی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

3- زندگی‌نامه (اوشو و کوئیلو)

3-1- زندگی‌نامه اوشو

اشو در 22 دسامبر سال 1931 در هند دیده به جهان گشود و هفت سال اول زندگی خود را با پدربزرگ و مادربزرگ مادری‌اش سپری کرد. بیشترین تأثیر در شکل‌گیری شخصیت اشو را پدربزرگ پدری وی داشته است. پدربزرگ مردی بی‌سواد بود که به این بی‌سوادی‌اش هم افتخار می‌کرد. از تعریف‌هایی که اشو از این پدربزرگ دارد می‌توان این‌گونه استنباط کرد که زوربای بودایی که او به دنبال آن بود گسترش یافته شخصیت همین جد پدری است؛ پدربزرگ دین خاصی نداشت. آئین او بیشتر خوردن، آشامیدن و شادمانی بود، درست شبیه «زوربای یونانی» که اشو شخصیت افسانه‌ای خیال‌هایش را از اضافه کردن شخصیت این فرد به

«بودا» در ذهن پروراند.^۱

اوشو، تحصیلات مقدماتی را در هند گذراند و سپس به دانشگاه سائوگر وارد و موفق به اخذ مدرک فلسفه از آن دانشکده شد. در سال 1953 در سن 21 سالگی اشو مدعی می‌شود به نور حق مشرف شده و حالت اشراق و روشن‌ضمیری برای وی حاصل گشته است. او می‌گوید که در اینجا زندگی‌نامه بیرونی‌اش به پایان رسید و از آن پس در یک موقعیت بی‌نفسی در یگانگی با قوانین درونی حیات به زندگی ادامه داده است.^۲

اوشو حدود نه سال در دانشگاه جلال‌پور هند به آموزش فلسفه پرداخت. وی در دوران تدریس به اقصی نقاط هند سفر نمود و علاوه بر بررسی تمام آداب و رسوم مذهبی اقوام هندی و مطالعه در این زمینه به ایراد سخنرانی‌هایی پرداخت و در این مدت عقاید عرفانی و مراقبه‌های خودش را ترویج و تعلیم می‌داد. وی بیش از 35 سال به تعالیم آموزه‌های خود ادامه داد. اوشو طرفداران و شاگردان فراوانی را در هندوستان به دور خود جمع نمود و در سال 1974 به سمت شهر پونا در جنوب بمبئی مهاجرت کرد. در واقع هدف اشو از این مهاجرت بنا کردن یک آشرا (محل تدریس) بود. این محل تدریس که به «کمون اشو» معروف شد، در شهر «پونا» در هندوستان بنا گردید. در پی این مهاجرت بسیاری از مردم، مخصوصاً از جهان غرب، به آنجا سرازیر شدند. امروزه کمون اشو یکی از بزرگ‌ترین مراکز معنوی بین‌المللی در جهان به شمار می‌آید، اشو درباره کارکرد کمون می‌گوید:

«کمون یک مذهب (یک دنباله‌روی جمعی در یک ابر بزرگراه)

نیست، کمون به افرادی تعلق دارد که دست به دست هم داده‌اند، چون

می‌خواهند به سفری درونی رهسپار گردند. به جایی که در خلوت خویش

خواهند بود.»^۳

از شاخصه‌های اشو، شاگردپروری و تربیت و تعلیم شاگردان است. اشو آن‌چنان به این مهم عنایت دارد که حتی جزئیات خاص مریدان خود را می‌داند. وی دستورالعمل‌های جزئی و

1 - اوشو، اینک برکه‌ای کهن، ترجمه سیروس سعدوندیان، ص 167.

2 - همان.

3 - اوشو، الماس‌های اوشو، همان، ص 403.

خصوصی به شاگردانش می دهد و برای آن‌ها نام‌های خاص انتخاب می کند و مرتب به آنان احترام می گذارد و اذعان می دارد که دلیل زنده بودن او پس از بیماری‌های سختش، شاگردان او هستند و عاشق مریدان خود است!¹

شاگردان اوشو که به عنوان «سانیاسین»² مشهورند تصمیم گرفتند وی را «اوشو» نام گذارند. لفظ اوشو (osho) از عبارت «Oceanic experience» به معنای حل شدن در اقیانوس از ویلیام جیمز فیلسوف و روان‌شناس آمریکایی (1842-1910) اقتباس شده است.³ البته واژه «oceanic» در واقع به بیان این تجربه می پردازد و اوشو به معنای کسی است که این پدیده را تجربه می کند.⁴ همچنین اوشو - در دوران حیات - به چندین نام شهرت داشت: «راجا» نام زمان کودکی، سپس «راجنیش»، «آچاریا راجنیش» در سال 1960، «باگوانش ری راجنیش» از 1971، از ماه دسامبر 1988 هر چهار نام تغییر یافته و از سپتامبر 1989 به سادگی به عنوان «اوشو» نامیده شد.⁵ وی در سال 1981 به آمریکا مهاجرت کرد. در این سفر توانست مریدان زیادی گرد آورد؛ به طوری که شاگردان او شهرکی به نام وی در یکی از اماکن آمریکا بنا کردند؛ مریدان اوشو در مدت چهار ماه اراضی دورافتاده کوهپایه‌های ایالت اورگون را خریداری و شهری را به نام اوشو با عنوان «راجنیش پورام»⁶ تأسیس کردند؛ اما بعد از 4 سال، دولت آمریکا به دلیل نقض قانون مهاجرت به شهرک راجنیش پورام وارد شد و اوشو را به دادگاه برد و پس از زندانی و محاکمات گوناگون، دستور اخراج اوشو را صادر کرد. در مورد اخراج اوشو از آمریکا سه نظریه وجود دارد:

پیروان و مریدان اوشو می گویند: اوشو کلیه ارزش‌های جامعه آمریکا را زیر سوال برده و راهی جدید فراروی انسان‌ها قرار می داد. بنابراین، سران آمریکا از او احساس خطر کردند و او را اخراج کردند.⁷

1 - اوشو، مزه‌ای از ملکوت، همان، ص 22.

2 - Sannyasin دوست داران عشق.

3 - اوشو، الماس‌های اوشو، مرجان فرجی، فردوس، تهران، 1382.

4 - اوشو، اینک برکه‌ای کهن، همان، ص 41.

5 - همان.

6 - Rajneesh Puram.

7 - اوشو، آینده طلایی، همان، ص 197.

گروهی دیگر معتقدند که اشو به دلیل فساد اخلاقی افراطی که در آمریکا در پیش گرفته بود - به گونه‌ای که از هنجارهای رایج جامعه آمریکا هم جلو افتاده بود - اخراج شد.¹ اما نظریه سومی وجود دارد که اخراج او را از طرف نظام سلطه، نقشه‌ای برای مظلوم نشان دادن چهره او در جهان که نهایتاً به شهرت وی ختم می‌شد، عنوان کرده‌اند؛ زیرا بعد از اخراج او بلافاصله کتاب‌های او در سراسر دنیا ترجمه و نشر پیدا کرد.² سرانجام وی چهار سال بعد، یعنی در سال 1990 در 19 ژانویه بر اثر زهری که هنگام بازگشت به هند به وی خورانده بودند، کشته شد. زهر چنان بود که بعد از گذشت مدّت طولانی، علائم خود را در بدن وی نمایان ساخت و به تدریج او را از پای درآورد.³ اوشو در دوران تبلیغ در زمینه‌های مختلف روش‌های درمانی، فلسفه و حکمت، روانشناسی و شیوه‌های رسیدن به آگاهی ناب و... سخنرانی‌هایی ایراد نمود. او اهل نوشتن نبود و هرگز کتابی ننوشت؛ اما آثار او همه از سخنرانی‌های وی گرفته شدند. سخنرانی‌های وی برای مریدانش از سراسر جهان به بیش از ششصد و پنجاه جلد کتاب گردآوری شده است. این کتاب‌ها به بیش از سی و سه زبان دنیا ترجمه شده است. همچنین حدود هفت‌هزار سخنرانی بر روی نوار کاست و 1700 سخنرانی بر روی نوار ویدئو ضبط شده است⁴ که سالانه بیش از یک میلیون نسخه از کتاب‌ها و نوارهای وی به فروش می‌رسد.⁵

از مجموع مطالبی که درباره اشو نوشته شده و گاه خودش نیز در خاطراتش به آن‌ها اعتراف دارد، چنین برمی‌آید که او بسیار عاشق شهرت بوده و برای مطرح شدن از هر طریقی استقبال می‌کرد؛ از بحث و جدل با استاد دانشگاه گرفته تا داستان‌های تخیلی که برای شاگردانش می‌گوید و در تمام آن‌ها او شخصیت اول داستان است و تمام افرادی که از ادیان گوناگون به مبارزه علمی و مباحثه با او می‌آیند و او همه را شکست می‌دهد، همه و همه نشان از این روحیه بلندپروازی اشو دارد، اما با تمام این بلندپروازی‌ها او حتی در تحصیلات

1 - محمد تقی فعالی، آفتاب و سایه‌ها، نگرشی بر جریان‌های نوظهور معنویت گرا، تهران: 1389، ص 113.
2 - این نظر را جناب استاد دکتر احمد حسین شریفی مطرح کردند.
3 - اوشو، اینک برکه‌ای کهن، همان، ص 41.
4 - اوشو، اینک برکه‌ای کهن، همان، ص 30.
5 - سایت آفتاب، تاریخ 1387/8/20.

دانشگاهی‌اش با مشکل روبه‌روست و تقریباً با تمام اساتید دانشگاه مشکل دارد، تا آن‌جا که فارق‌التحصیل شدنش را بازیافتن آزادی‌اش می‌داند.¹ وی فلسفه را چرند می‌خواند، به مخالفت با گاندی می‌رود، سیاست را بیماری می‌شمارد، فیلسوفان را به سگ تشبیه می‌کند² و سیاستمداران را افرادی بیمار، نابالغ و دروغ‌گو معرفی می‌کند: اما خودش را عارفی روشن‌ضمیر و بودای عصر³ که همه این‌ها جز در راستای شهرت‌طلبی او تفسیر نمی‌شوند. وی همواره اذعان می‌نمود:

«من سرآغاز خودآگاهی مذهبی کاملاً نوینی هستم. لطفاً مرا با گذشته پیوند نزنید. گذشته حتی ارزش به خاطر سپردن را ندارد. چه نعمت بزرگی برای بشریت خواهد بود، اگر سراسر تاریخ گذشته را به کناری نهیم. همه گذشته را به گنج‌ها هزاره‌ها بسپاریم و به انسان آغازی جدید بخشیم، آغازی غیرتحمیلی، و دوباره او را آدم و حوا کنیم تا بتواند از صفر شروع کند. انسانی نو، تمدنی نو و فرهنگی نو.»⁴

3-2- زندگی‌نامه کوئیلو

پائولو کوئیلو یکی از پرخواننده‌ترین و تأثیرگذارترین نویسندگان پرکار دنیای غرب است که با بهره‌گیری هنرمندانه از تکنیک قصه‌نویسی و با توجه به درک خلاقانه معنایی و معنوی در غرب، به بیان اندیشه‌های سکولاری و لیبرالیستی خود می‌پردازد. او این‌گونه اندیشه‌ها را با رنگ و لعابی از معنویت‌گرایی و عرفان‌مداری و با ظرافت خاص لابه‌لای قصه‌ها و حکایت‌های کوتاه و بلند می‌گنجانند.

کوئیلو در یکی از شهرهای برزیل به دنیا آمد. او در سن هفت سالگی به دبستان مذهبی «سن اگناسیو» در ریودوژانیو وارد شد. در این سال‌ها کوئیلو به تدریج دریافت که از فراگیری تعالیم مذهبی بیزار است. در پی آن کوئیلو از شرکت در مراسم مذهبی گروهی که بالاجبار

1 - محمد تقی فعالی، نگرشی بر آراء و اندیشه‌های اوشو، تهران: نشر عابد، ص 35 - 32.

2 - اوشو، راز بزرگ ترجمه روان کهریز، همان، ص 314.

3 - همان ص 39 - 47.

4 - اوشو، الماس اوشو، مرجان فرجی، فردوس، چاپ چهارم، ص 366.

برگزار می شد، سر باز زد و تنفر خود را به آئین و فرایض دینی خود نشان داد. به رغم تمایل والدینش برای دنبال کردن درس و فراگیری رشته مهندسی، کوئیلو به وادی ادبیات علاقه مند شد و بر آن شد تا نویسنده شود.

کوئیلو در ایام جوانی دچار تلاطم روحی گردید که در نتیجه به قوانین و مقررات و هنجارهای موجود دهن کنجی کرد. افراط کوئیلو در این کار باعث شد که پدرش این رفتار را علامت بیماری روانی بشمارد و در نتیجه وی را در بیمارستان روانی بستری نماید و در آنجا برای درمانش از شوک برقی استفاده کردند. به اذعان خود وی این مسأله چندمرتبه دیگر هم در زندگی وی تکرار شد.¹

پس از رهایی از بیمارستان به یک گروه تئاتر پیوست و کارهای پراکنده ای در مطبوعات انجام داد. تماشاگران اغلب نمایش هایی که گروه وی انجام می دادند و محتوای آن تئاترها را کاملاً ضد اخلاقی و مروج فساد و ... می خواندند. در پی آن، پدر کوئیلو، به دلیل حالات اسکیزوفرنیک وی، او را برای سومین بار در بیمارستان روانی بستری کرد. کوئیلو مدتی از دارو استفاده کرد و سپس به استفاده از مواد مخدر روی آورد. بعد از آن که جنبش هیپی گری به آمریکای جنوبی رسید، پائولو هم به این جنبش پیوست و با بلند گذاشتن موهای خود و بی اعتنایی به مقررات از این موج استقبال کرد.² در عین حال او شیفته افکار مارکس و چگوارا شده بود. برای کوئیلو این بدترین دوران زندگی بود؛ چون دچار بحران معنوی بود و این بحران او را به سوی مواد مخدر و مواد روان گردان و افراط در استفاده از مشروبات الکلی سوق می داد. شاید از همین روست که اگرچه در آثارش به شدت مدعی عشق و عاشقی است، اما تنها تجربیاتش از عشق و عاشقی، سه ازدواج ناموفق بوده است! پائولو کوئیلو چندی هم در زندان به سر برد؛ چراکه به همراه دوست آهنگ سازش رائلول، اقدام به چاپ مجموعه داستان های کمدی سکسی به نام کرینگ ها کرد و آفرینش این آثار را راهی برای رسیدن انسان ها به آزادی می دانست.

1 - پائولو کوئیلو، چون روز جاری باش، ترجمه: آرش حجازی، ص 14.

2 - همان، ص 15.

در سال 1973، پائولو و رائل، عضو انجمن دگراندیشی شدند که علیه ایدئولوژی سرمایه‌داری تاسیس شده بود. و برای مدتی، به جادوی سیاه روی آوردند. پائولو تجربه این دوران را در کتاب والکیریاها به روی کاغذ آورده است. کتاب‌های او به ۵۶ زبان ترجمه شده‌اند و جدای از آن‌که همواره در فهرست کتاب‌های پرفروش بوده‌اند، در تمام طول دوران ظهور او، مورد بحث و جدل اجتماعی و فرهنگی قرار داشته‌اند.

وی بسیار اهل سفر و جهانگردی است، حتی گاهی چند ماه از سال را در سفر می‌گذرانند، در یکی از همین سفرها بود که با شیمون پرز رئیس جمهور قبلی اسرائیل ملاقات کرد و هدایایی از وی دریافت کرد. آثار کوئیلو همه به زبان اسپانیولی نگاشته شده است. وی همچنین در سال 1379 به دعوت مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها و وزیر ارشاد دولت اصلاحات (عطاء ... مهاجرانی) مسافرتی به ایران داشت و در حالی که قانون کپی رایت در ایران وجود نداشت، از آن زمان تاکنون کوئیلو رسماً از ایران حق التالیف را دریافت کرد.¹

برخی از صاحب‌نظران، پائولو کوئیلو را متعلق به نوعی از جریان معنویت منسوخ اومانیستی می‌دانند که به شدت مورد توجه نظام سلطه بوده و توسط رسانه‌های وابسته تبلیغ و ترویج می‌شود. معنویتی که فاقد شریعت است و او سعی دارد از طریق ادبیات، این نوع تفکر را اشاعه دهد. از این رو وی بر آموزه‌های مسیحیت یهودی شده (یا همان صهیونیسم مسیحی) تأکید دارد² و به همین جهت بیشتر مورد عنایت نظام سلطه است تا در مقابل موج بیداری اسلامی قرار گیرد. شاید از همین رو کوئیلو در سال 2000 برای شرکت در اجلاس سالانه جهانی سازی داووس Davos به سوئیس مسافرت کرد. سخنرانی پائولو کوئیلو در این کنفرانس - که در جمع سرمایه‌داران بزرگ درباره نوع عرفانی که ترویج می‌کند - باعث شد تا شیمون پرز³ (از سران صهیونیسم و نخست وزیر سابق اسرائیل) از وی تجلیل به عمل آورد.⁴

بنابر آماري که از سوی برخی مراکز انتشاراتی غرب ارائه شده، انتشار آثار کوئیلو پس از

1 - پائولو کوئیلو، چون رود جاری باش، ص 20

2 - پائولو کوئیلو، کوه پنجم، ترجمه آرش حجازی، چ سوم، تهران، کاروان، 1383، ص 41.

3 - Shimon Perez Center for Peace.

4 - احمدحسین شریفی، درآمدی بر عرفان‌های حقیقی و عرفان‌های کاذب، قم: صهبای یقین، ج 1، ص 80..

«کتاب مقدس» بیشترین هزینه و سرمایه را در دنیا به خود اختصاص داده و به همین دلیل از گسترده‌ترین چاپ و توزیع جهانی برخوردار بوده است! شاید از همین‌رو در اواسط دهه ۷۰ در ایران نیز، مؤسسه انتشاراتی با نام «کاروان» برای چاپ و نشر کتاب‌های پائولو کوئیلو تأسیس شد که یکی از اصلی‌ترین مؤسسين آن، آرش حجازی بود. به نوشته وبسایت^۱ خود کوئیلو، وی اولین نویسنده‌ای بود که در سال‌های پس از انقلاب، حقوق ترجمه و انتشار آثارش را واگذار کرد و حق التالیف گرفت و نخستین نویسنده غیر مسلمان بود که پس از انقلاب و در سال ۱۳۷۹ به ایران مسافرت کرد و مورد استقبال برخی مسئولین فرهنگی ایرانی قرار گرفت، از آن پس کتاب‌های پائولو کوئیلو به نحو وسیعی در ایران ترجمه و به اشکال گوناگون و با کمترین قیمت توسط همین انتشارات کاروان و با حمایت‌های یارانه‌ای مسئولین وقت وزارت ارشاد چاپ و توزیع شد.

توجه به این مسأله ضروری است که در دهه بیست در اروپا به معنویت غیردینی بیش از هر زمان توجه شد. در همان دوران برای آن که مردم به سمت و سوی معنویت الهی روی نیاورند، روح اومانیستی تقویت و در پی آن به اشاعه معنویت غیرالهی پرداخته شد. حمایت و ترویج تعالیم دون خوان و کاستاندا در همین دوران صورت می‌پذیرد و بدین ترتیب است که عرفان پائولو کوئیلو نیز از سوی ادبیات استعمار نو حمایت می‌شود؛ چرا که عرفان او یک عرفان سلوک شخصی است و مروج پلورالیسم نسبی‌گرایی و مدارا با کفر و ظلم است. لازم به ذکر است که کوئیلو جدای از طرح مسایل شبه عرفانی، اقدام به خلق آثاری درخصوص زندگی زنان فاسد کرده است، و با وسواس زیادی به توصیف مراکز فساد در اروپا و بیان روحیات افراد بیمار پرداخته است. کوئیلو به عنوان شخصیت عرفانی برجسته! دارای افکاری مخلوط از مواد مخدر، مشروبات الکلی، عشق زمینی با افکار و اندیشه‌های مخلوط شده از عرفان ساحری کاستاندا، عرفان مسیحیت و مارکسیستی است که کانون‌های قدرت در دنیای امروز به دنبال نشر و ترویج آثار وی هستند.

3-3- معرفی آثار (اوشو و کوئیلو)

از آنجا که بحث مستقلی در ارتباط با موضوع انسان آرمانی در هیچ یک از کتاب های این دو جریان مطرح نشده است و تنها به ذکر مطالبی در لابلاي بحث ها پرداخته شده بود، سعی شد که تقریباً تمامی آثار این دو جنبش مورد بررسی قرار بگیرد و پس از تحقیق میدانی وسیع در بخش اعظم از آثار این دو جریان، مطالبی به دست آمد که کمک شایانی به جمع بندی و نتیجه گیری مورد نظر در موضوع انسان آرمانی داشت. از این رو ابتدا آثار مهم و مشهور این دو جنبش مورد بررسی قرار گرفت و در وهله بعد به عناوین و سرفصل های مرتبط با بحث انسان و انسان آرمانی مراجعه شد که برای معرفی و آشنایی با آن ها به ذکری بعضی از آن ها می پردازیم:

1- در جنبش معنوی اوشو که انسان آرمانی خود را زوربای بودا معرفی می کند، مباحث پراکنده درباره این شخصیت در کتاب های زیر می توان یافت که مشخصات کامل آن ها در قسمت معرفی منابع آمده است:

تعلیمات تانترا ج 2 (کندالینی، یوگا)، تفسیر آواهای شاهانه ساراها ج 3 (تعلیمات تانترا 3 و 4)، زبان از یاد رفته، الماس هاسی آگاهی، رها شدن از گذشته، رقص زندگی، گلهای جاودانگی، الماس های اوشو، بلوغ، آینده طلایی.

2- همچنین در جنبش معنوی کوئیلو از آنجایی که قهرمان های داستانی به عنوان الگو و انسان ایده آل معرفی می شوند، به شخصیت های مختلف داستانی در رمان های وی به عنوان انسان معیار اشاره می شود که بعضی از این رمان ها از قرار ذیل اند:

کیمیاگر، شیطان و دوشیزه پریم، بریدا، کنار رودخانه پیدرا، خاطرات یک مغ، ورونیکا تصمیم می گیرد خودکشی کند، زهیر، والکری ها، عطیه برتر، رزم آور نور، یازده دقیقه.